

سرنوشت مبهم لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت

Photo: grigvovan/depositphotos.com

مهری قاسمی

چندی پیش ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضاییه، در جلسه‌ای که درباره اقدامات قوه قضاییه در مورد «لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت» تشکیل شده بود وعده داد که «نظر قوه قضاییه نسبت به این لایحه اعلام خواهد شد.»

او گفت: «نارسایی‌هایی که در ابتدای زندگی زوجین به وجود می‌آید نباید به سرعت با حکم طلاق مواجه شود؛ بلکه باید ریش سفیدان خانواده مداخله کنند و زوجین را به صلح و محبت ترغیب کنند.»

رئیس اضافه کرد: «در جامعه ما خشونت علیه هیچ‌کس پذیرفته نیست و خشونت علیه زنان نیز مطلقاً پذیرفته نیست. باید مصادیق خشونت علیه زنان تعیین شود. خشونت علیه زنان صرفاً به مسائل خانوادگی محدود نمی‌شود، بلکه اگر در یک شرکت هواپیمایی گفته شود که یک خانمی به منظور کار بیشتر حق بچه‌دار شدن ندارد، این نیز از مصادیق خشونت علیه زنان است.»

سخنان رئیسی رویکرد کلی راست‌گرایان درباره قوانین مربوط به زنان را خلاصه کرده است. آنان از یک طرف خشونت گسترده در خانواده‌های ایرانی علیه زنان را «نارسایی‌های زندگی» می‌نامند که با نصیحت حل و فصل خواهد شد و از سوی دیگر حضور اجتماعی زنان و تبعات آن را مصداقی برای خشونت معرفی می‌کنند. نحوه مواجهه با «لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت» نیز نمادی از این رویکرد در سال‌های اخیر بوده است.

لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت بعد از گذشت سال‌ها هنوز از قوه قضاییه به دولت بازنگشته است. چندی پیش اشرف گرامی‌زادگان، مشاور حقوقی و پارلمانی معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری در گفت‌وگو با روزنامه شرق با اشاره به موانعی که در این زمینه وجود دارد، خلاصه ماجرا را چنین بیان کرد: «از نظر این معاونت لایحه تأمین امنیت زنان، مناسب و جامع است و فقط امضای ریاست محترم قوه قضاییه کافی است تا به دولت ارجاع داده شود. در زمان ریاست سابق قوه قضاییه، لایحه در معاونت حقوقی قوه بیش از شش ماه بررسی نهایی شد و حدود ۸۱ قاضی با سابقه در جلسات به صورت مرتب حضور داشتند. قضاتی که در طول سال‌ها برای پرونده‌های قضایی حکم صادر کرده بودند و در برخی از بخش‌ها، نمونه‌های جرم را توضیح می‌دادند تا علت وجود متنی را محرز کنند و ضرورتش را توضیح دهند. این جلسات بسیار پر بار بود و در نهایت لایحه تمام و نهایی شد. مقرر بود پس از یک هفته و ملاحظه برخی از بخش‌های قوه، متن به دفتر ریاست محترم قوه برای امضا برود. از آن تاریخ که این جانب در جریان بودم، بیش از ۲۱ ماه یا بگوییم حدود یک سال زمان از دست رفت و ریاست محترم قوه آن را امضا نکرد.»

[به کانال تلگرام خانه امن بپیوندید.](#)

البته با انتخاب رئیس جدید قوه قضاییه نیز مشکل حل نشد و لایحه مزبور همچنان معطل مانده است.

مخالفت‌های گسترده راست‌گرایان تندرو با این لایحه و حتی حمایت ضمنی آنها از وجود خشونت علیه زنان در خانه‌ها، از همان ابتدا مشخص کرده بود که فرایند تدوین و بررسی این لایحه پیچیده خواهد بود. مخالفت‌ها با این لایحه چنان گسترده بود که در بهمن ماه سال ۷۹۳۱، غلامحسین محسنی اژه‌ای، سخنگوی وقت قوه قضاییه اعلام کرد: «لایحه تأمین امنیت زنان در قوه قضاییه بررسی شده است اما به نظر می‌رسد این لایحه مشکلات زیادی دارد که ممکن است حتی قابل اصلاح نباشد و شاید لازم باشد لایحه دیگری در دولت یا قوه قضاییه در این زمینه تهیه شود.»

در واقع راست‌گرایان تندرو در ایران معتقدند با تصویب این لایحه موقعیت برتری مردان در خانواده که آموزه‌های دینی و اسلامی است، تضعیف خواهد شد.

از جمله جنجالی‌ترین انتقادات به این لایحه متنی بود که زهرا آیت‌اللهی، رئیس شورای فرهنگی اجتماعی زنان در روزنامه کیهان منتشر و در آن ادعا کرد این لایحه در حمایت از زنان روسپی است تا زنان عفیف و مظلوم در خانواده: «پیش‌بینی کنید که جامعه به چه سمتی خواهد رفت؟ همان لجن‌زاری که غرب را به سقوط کشانده در انتظار ایران اسلامی هم خواهد بود. باید گفت که این تذهبون!»

او این اعتقاد را مطرح کرد که این لایحه کیان خانواده را سست می‌کند: «زن که مظهر لطافت و محبت و آرامش است به موجودی تبدیل می‌شود بهانه‌جو، ایراد گیر و نازپرورده که می‌تواند هر اقدام مرد را به خشونت علیه خود تعبیر کند. حتی اگر توهم خشونت از رفتار مرد

داشته باشد، قانون به او حق می‌دهد که مرد را محکوم کند و دادگاه را به وسط خانه بکشانند. به تعبیر خانم معاون رئیس جمهوری، چهار دیواری دیگر اختیاری نیست و باید چشمان و دستانی از قانون و قاضی مراقب باشند تا در خانواده کسی به زن نگوید بالای چشمت ابروست. خدا می‌داند با چنین وضعیتی کدام پسری ولو ۰۴ ساله و ۰۵ ساله جرات ازدواج کردن را خواهد داشت؛ حتی اگر رستم دستان باشد.»

و اینکه: «این حمایت از زنان به سبک غربی نتیجه‌ای مشابه غرب به همراه دارد. اکنون در انگلستان ۰۴ درصد خشونت‌ها علیه مردان گزارش می‌شود. البته حجم واقعی خشونت‌های زنان علیه مردان بیش از این است و دلیل مهم آن هم خودداری مردان از اعلام وضعیت به جهت ترس از تمسخر و انگ بی‌عرضگی به آنهاست.»

از سوی دیگر، [روزنامه جوان وابسته به سپاه پاسداران](#) نیز ضمن مخالفت با این لایحه در گزارشی نوشت: «حبس‌های سنگین و مجازات‌های سنگین برای برخی جرائم علیه زنان در لایحه تأمین امنیت زنان مهم‌ترین مانع برای تصویب آن شده است، چنانچه بنا به تأکید کارشناسان مخالف این لایحه، برخی از این مجازات‌ها نه فقط نمی‌توانند بنیاد خانواده را استحکام بخشند که چه بسا ممکن است هدف را برعکس کنند یعنی بنیاد خانواده را متزلزل سازند.»

بیشتر بخوانید:

[علاقه جمهوری اسلامی به خانه‌داری زنان](#)

[فقه، زمینه اصلی تبعیض علیه زنان](#)

[ایدئولوژی مذهبی و تجارت سکس در ایران](#)

در همین گزارش از قول غلامرضا موحدیان، قاضی بازنشسته دیوان عالی کشور، گفته شده است که این لایحه به شدت زوج را مورد هجوم قرار می‌دهد: «در این لایحه تصور می‌کنند با کوچک‌ترین اقدامی مرد باید مجازات شود. خانواده با این نوع برخورد و مداخلات و سختگیری‌ها نه تنها اصلاح نمی‌شود بلکه باعث از هم پاشیدن خانواده نیز می‌شود و اساساً سخت‌گیری‌ها و مجازات‌های متعدد و پی‌درپی تیشه به ریشه زندگی مشترک می‌زند.»

در واقع نویسنده روزنامه جوان بر این باور بوده است که «برای برخی جرائم علیه زنان «نباید مجازات‌های سنگین در نظر گرفت. کارشناس هم نگران بوده است که» کوچک‌ترین اقدام «مرد (بخوانید ضرب و شتم زن در خانه) مجازات شود.

به این ترتیب لایحه مزبور با وجود نارسایی‌های بسیار همچنان در پیچ و خم اداری قوه قضاییه مانده است.

همچنین فراموش نباید کرد که حتی بعد از تایید قوه قضاییه، همچنان نمایندگان مجلس قدرت تغییر تمامی مواد این لایحه را دارند و بعد از آن هم شورای نگهبان اختیار تصویب یا عدم تصویب آن را دارد.

با این همه راست‌گرایان تندرو در ایران حتی از طرح موضوع این لایحه نیز خشمگین شده‌اند.

[آیا صرف حمایت از خشونت‌دیده کافی است؟ \(بخش دوم\)](#)

Photo: galdzer/depositphotos.com

معین خزائلی*

همان‌طور که در [بخش اول این مطلب](#) آمد، با وجود تلاش شماری از قانونگذاران ایرانی در جرم‌انگاری مستقل و جداگانه خشونت خانگی (لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت) و به دنبال آن، تعیین مجازات برای متخلفان، دستگاه قضایی ایران به عنوان یکی از مخالفان اصلی این لایحه همچنان صراحتاً با پیش‌بینی هر گونه مجازات برای مرتکبان این نوع از خشونت مخالفت می‌کند.

این مخالفت‌ها تا جایی‌ست که از نظر قوه قضاییه ایران تعیین مجازات برای مرتکبان خشونت خانگی و اجرای مجازات مقرر شده، به عنوان اقدامی در راستای «تحدید آزادی‌های افراد» (۱) و به ویژه «تحدید نقش ریاستی مرد در خانواده» (۲) دانسته می‌شود. حال آنکه به تجربه و در عمل ثابت شده است مبارزه با پدیده خشونت خانگی بدون ضمانت‌های قانونی لازم، به ویژه بدون تعیین مجازات برای متخلفان، امری ناممکن است.

در این میان جدای از اهمیت نقش خشونت‌دیده در مجازات مجرم و همچنین عمومی‌انگاری جرم خشونت خانگی، دو عامل دیگر نیز نقشی به سزا در لزوم جرم‌انگاری مستقل و تعیین مجازات در مورد جرایم مربوط به خشونت خانگی ایفا می‌کنند. عواملی که اساساً با توجه به فلسفه حقوق کیفری لزومشان امری بدیهی و پذیرفته شده برای تمامی نظام‌های حقوقی است.

قانون به عنوان عاملی هنجارساز

به طور کلی و به باور بسیاری از اندیشمندان علم حقوق، اولین و در حقیقت اصلی‌ترین کارکرد قوانین در تمامی جوامع، ایجاد هنجارهایی است که اساساً یا از سوی جامعه مورد بی‌توجهی و غفلت قرار گرفته‌اند یا به دلایلی رعایت نمی‌شوند.

این نقش که در عمل برآمده از روح قوانین و فلسفه کارکرد اجتماعی آن است، سبب می‌شود تا آنچه از سوی جامعه به عنوان موضوعی بی‌اهمیت یا کم‌اهمیت تلقی شده و در نتیجه الزام به رعایت آن دست‌کم گرفته می‌شود، در موارد مشخص به صورت هنجاری لازم‌الاجرا درآمده که عدم توجه به آن مستوجب عقوبت کیفری خواهد بود.

روشن‌ترین نمونه این مساله در علم حقوق عدم جرم‌انگاری عمومی و کلی «دروغ» است. بدین معنی که اگرچه دروغگویی ماهیتاً عملی غیراخلاقی است، اما با صرف غیر اخلاقی‌انگاری آن در مواردی مشخص (مانند دروغگویی در ادای شهادت، دروغگویی در ارائه گزارش‌های نادرست به مقامات یا پنهان‌سازی حقیقت در برابر دادگاه) نمی‌توان از نظم و امنیت در جامعه محافظت کرد.

از این رو امروزه در قریب به اتفاق اکثریت کشورها، دروغگویی در موارد خاص به طور مستقل مورد جرم‌انگاری قرار گرفته و مرتکبان آن با مجازات روبه‌رو خواهند شد.

در عین حال این رویکرد هنجارساز در عمل موجب می‌شود آنچه که برای مدت‌ها در بوته بی‌توجهی عمومی قرار گرفته، به عنوان موضوعی قابل تامل مطرح شده، صرفاً از یک هنجار عمومی-اخلاقی تبدیل به قانونی اجباری برای همگان شود.

اگر تاکنون عضو کانال تلگرام خانه امن نشده‌اید، کلیک کنید.

قانون اجباری شدن استفاده از کمربند ایمنی مصوب سال ۴۸۳۱ هیات دولت در ایران یکی از روشن‌ترین نمونه‌هایی است که می‌توان در آن به اهمیت این جنبه از کارکرد قوانین پی برد.

به دنبال تصویب این قانون، استفاده از کمربند ایمنی هنگام رانندگی که تا پیش از آن صرفاً به عنوان بخشی از فرهنگ درست رانندگی کردن به حساب می‌آمد، تبدیل به قانونی لازم‌الاجرا شد.

از طرف دیگر از آنجا که صرف الزامی‌سازی امری به عنوان قانون سبب ایجاد الزام فردی برای اجرا و رعایت آن نمی‌شود، قانون مزبور با ایجاد ضمانت اجرای مورد نیاز (پیش‌بینی مجازات برای متخلفان از طریق اعمال مجازات جریمه نقدی) به نوعی اجرای این قانون را تضمین کرد.

با وجود این، اگرچه اجرای این قانون همراه با ضمانت اجرای خود نتوانست مرگ و میر ناشی از تصادف‌ها در ایران را به حداقل ممکن برساند، اما بر اساس پژوهش‌های انجام شده تنها دو سال پس از آغاز اجرای آن، تعداد تصادف‌های منجر به مرگ ناشی از نیستن کمربند ایمنی تا حدود پنج درصد کاهش یافت. (۳)

بررسی کوتاه تجربه‌های عملی دیگر کشورهایی که خشونت خانگی در آنها پس از سال‌ها غفلت و بی‌توجهی قانونی سرانجام جرم‌انگاری شده است هم نشان می‌دهد صرف جرم‌انگاری و به دنبال آن، تعیین مجازات برای جرایم مرتبط با خشونت خانگی تا حد زیادی توانسته است رویکرد عمومی را نسبت به این نوع از ناهنجاری خشن اجتماعی تغییر دهد. ضمن اینکه این جرم‌انگاری در عمل منجر به تعیین دستورالعمل‌های واضح و کاربردی برای ضابطان قضایی شده است، چرا که اساساً تا زمانی که اقدامی از سوی قانونگذار به عنوان فعل مجرمانه مورد شناسایی قرار نگیرد، ضابطان قضایی (پلیس، دادگستری، قضات و...) نیز قانوناً نه اجازه ورود به موضوع را پیدا می‌کنند و نه اراده و میلی برای دخالت در آن دارند؛ هر چند که اقدام مورد نظر از منظر اخلاقی امری ناپسند و مذموم شمرده شود.

مجازات به عنوان عاملی بازدارنده

به طور کلی یکی از علل اصلی اعمال مجازات در جوامع به عنوان عاملی در حفاظت از نظم و امنیت اجتماعی، نقشی است که برای آن مجازات به مثابه عاملی بازدارنده پیش‌بینی شده و مجرمان را از تلاش برای ارتکاب جرم باز می‌دارد.

در حقیقت بر پایه این تفکر، این ویژگی بازدارندگی مجازات ناشی از تهدیدی است که بر اساس آن فرد متخلف آن را همواره در برابر خود داشته و در محاسبات ارتکاب جرم آن را به عنوان عاملی موثر در نظر می‌گیرد.

این تفکر اگرچه با یافتن مفاهیم نوین جرم‌شناسی به ویژه مفاهیمی مانند «مجرمان به عادت» و «مجرمان به لحظه» تا حد زیادی به چالش کشیده شده است، اما تجربه عملی کشورها در جرم‌انگاری جرایم جدید (جرایمی که در طول تاریخ بشر به مانند امروز وجود نداشته و به نوعی محصول دنیای مدرن محسوب می‌شوند، مانند جرایم اینترنتی) نشان می‌دهد همچنان رابطه مستقیم و مستحکمی میان رعایت یک قانون و ضمانت اجرای آن وجود دارد.

قانون بدون ضمانت اجرا نه تنها از سوی جامعه مورد پذیرش قرار نخواهد گرفت، بلکه به دلیل نداشتن ضمانت اجرا، اراده‌ای نیز برای محافظت از آن وجود نخواهد داشت.

بیشتر بخوانید:

[قانون و حق فرزندآوری با رضایت در ایران](#)

[جای خالی وکلای دادگستری در پرونده‌های خشونت خانگی \(بخش اول\)](#)

[جای خالی وکلای دادگستری در پرونده‌های خشونت خانگی \(بخش دوم\)](#)

از همین رو امروزه با وجود آگاهی از تاثیر عوامل اجتماعی بر پدیده جرم، همچنان اعمال مجازات (به شیوه‌های متفاوت و البته انسانی‌تر) یکی از تنها روش‌هایی است که از طریق آن می‌توان اجرای قوانین را تضمین کرد.

در موضوع خشونت خانگی، بررسی تجربیات کشورهای دیگر به ویژه کشورهایی که جرم‌انگاری خشونت خانگی در آنها به پشتوانه تضمین‌های اجرایی نسبتاً سنگین عملی شده است نشان می‌دهد اگرچه موارد ارتکاب این جرم به طور کامل از بین نرفته و احتمال وقوع آن همچنان بالاست (به دلیل سال‌ها عدم توجه به فرهنگ سازی در این زمینه)، اما صرف تعیین و اعمال مجازات بر مرتکبان توانسته موارد وقوع آن را به میزان قابل توجهی کاهش دهد.

از سوی دیگر پیش‌بینی مجازات برای فعلی مجرمانه همانند خشونت خانگی، این پیام را به جامعه و به ویژه افراد مستعد در اعمال این نوع از خشونت مخابره می‌کند که ارتکاب آن به هیچ وجه از سوی نظام تنبیهی اجتماعی (قانون کیفری) و ساز و کارهای قانونی آن تحمل نشده و انجام آن با واکنش روبه‌رو خواهد شد. واکنشی که مسلماً در صورت فقدان آن، اجبار ایجاد شده از سوی قانون یا پس از مدتی به فراموشی سپرده شده یا دستمایه تمسخر عملی متخلفان قرار خواهد گرفت.

پانویس:

۱. صحبت‌های ذبیح الله خداییان معاون حقوقی قوه قضاییه ایران در انتقاد از لایحه «تامین امنیت زنان در برابر خشونت»، شهریور ماه ۶۹۳۱.

۲. روزنامه کیهان، چاپ تهران. سوم دی ماه ۶۹۳۱.

۳. تاثیر اجرای قانون اجباری شدن کمر بند ایمنی در مرگ ناشی از سوانح ترافیکی کشور. حمید سوری، علی ناصر معدلی، الهه عینی، محمد موحدی، محمدرضا مهماندار، محمدرضا مسعودی نژاد، حمیدرضا حاتم آبادی، منصور رضازاده آذری، سعاد محفوظ پور، رضا وفايي. اردیبهشت ۸۸۳۱.

آیا صرف حمایت از خشونت دیده کافی است؟ (بخش اول)

Photo: motortion/depositphotos.com

معین خزائلی

«جرم‌انگاری وسیع، تعیین حبس برای کوچک‌ترین تنش میان زوجین، از دست رفتن جایگاه مدیریتی مردان در خانواده، از دست رفتن مفهوم چهاردیواری اختیاری و کاهش نقش مردان در خانواده». اینها تنها بخشی از انتقادهای گسترده‌ای است که مخالفان لایحه «تامین امنیت زنان در برابر خشونت» مطرح می‌کنند. لایحه‌ای که هنوز پس از گذشت هشت سال از آغاز تلاش‌ها برای به سرانجام رساندن آن، میان زمین و هوا معلق مانده و در بین مخالفان و موافقان دست به دست می‌شود.

در این میان اما جدای از انتقاداتی که اساسا مبنای فقهی و دینی دارند، یکی از اصلی‌ترین مواردی که همواره از سوی منتقدان این لایحه مورد حمله قرار گرفته است، موضوع پیش‌بینی مجازات از سوی قانونگذار برای مرتکبان خشونت خانگی است.

به گفته این منتقدان «جرم‌انگاری وسیع این لایحه سبب شده که از ۰۰۱ ماده آن، ۰۷ ماده وصف کیفی داشته و حتی برای کوچک‌ترین نقش میان زوجین حبس تعیین کرده است.» (۱)

[اگر تاکنون عضو کانال تلگرام خانه امن نشده‌اید، کلیک کنید.](#)

از نظر این منتقدان، صرف حمایت اجتماعی از خشونت دیده در خشونت خانگی کافی بوده و نیازی به پیش‌بینی و تخصیص مجازات برای مرتکب نیست.

انتقاد از تعیین مجازات برای مرتکبان خشونت خانگی در حالی است که امروزه در بسیاری از کشورهایی که خشونت خانگی در آنها جرم‌انگاری شده، مجازات‌های پیش‌بینی شده برای متخلفان حداکثری بوده و در مواردی حتی ارتکاب این خشونت علیه افراد بالقوه آسیب‌پذیر (کودکان و سالمندان) سبب افزایش مجازات پیش‌بینی شده نیز می‌شود. ضمن اینکه به تجربه ثابت شده است عدم همراهی قوانین در زمینه مبارزه با معضلات اجتماعی، به ویژه معضلاتی که با تمامیت جانی انسان‌ها در ارتباط است و شخصی‌انگاری آن، در عمل موجب از دست رفتن حقوق ذاتی افراد در حفاظت از خود شده است. از این رو توجه به نقش خشونت دیده در مجازات مجرم و همچنین عمومی‌انگاری جرم خشونت خانگی می‌تواند نقشی تاثیرگذار در توجیه لزوم اعمال مجازات بر مرتکبان خشونت خانگی ایفا کند.

نقش خشونت دیده در مجازات مجرم

بر اساس یکی از اصول نسبتا پذیرفته شده حقوقی در بسیاری از نظام‌های قضایی، شرایط و ویژگی‌های فردی و اجتماعی بزه دیده، در مواردی می‌تواند از عوامل تشدید کننده مجازات مجرم تلقی شود.

بر پایه این تفکر، از آنجا که جایگاه حقوقی خشونت دیده نیاز به حمایت بیشتر از سوی قانونگذار دارد، از این رو ارتکاب جرم علیه آنها نیز همواره با مجازات‌های بیشتری روبه‌رو خواهد بود.

یکی از نمونه‌های روشن این اصل چگونگی برخورد قوانین کشورها با جرایم علیه تمامیت جانی اشخاص است.

به عنوان مثال اگرچه در تمامی نظام‌های حقوقی، قتل عمد خود از جرایم خشن و جدی محسوب شده و مجازات پیش‌بینی شده برای آن نیز عموماً جزو مجازات‌های حداکثری است، اما ارتکاب همین جرم با توجه به جایگاه حقوقی خشونت دیده می‌تواند در شدت و حدت مجازات پیش‌بینی شده، موثر باشد.

این مساله آنجایی بیشتر نمود پیدا می‌کند که شخصیت حقوقی خشونت دیده از نظر قانون بر شخصیت حقیقی او اولویت داشته باشد. به عنوان مثال ترور شخصیت‌های سیاسی. ضمن اینکه اساساً علاوه بر تشدید مجازات مجرم در صورت وقوع چنین جرایمی علیه اشخاص حقوقی حمایت شده، رویه بررسی پرونده و همچنین ضمانت‌های قانونی آن نیز متفاوت خواهد بود.

علاوه بر جایگاه حقوقی خشونت دیده، یکی دیگر از عواملی که به طور مستقیم با ویژگی‌های فردی بزه دیده مرتبط بوده و سبب تشدید مجازات عامل جرم ارتکابی علیه او می‌شود، میزان آسیب‌پذیری خشونت دیده است. بدین معنی که ناتوانی خشونت دیده برای دفاع از خود به ویژه در مواردی که جرم ارتکابی علیه تمامیت جانی او بوده باشد و همچنین ناتوانی او برای درخواست کمک، به علاوه آگاهی مجرم

از این عدم توازن قدرت، سبب می‌شود که هر گونه ارتکاب بزه علیه این افراد با واکنشی سخت‌تر و شدیدتر از سوی قانون روبه‌رو شود، چرا که از نظر قانونگذار صرف ناتوانی و کم‌توانی خشونت‌دیده برای دفاع از خود و همچنین علم مجرم بر این مساله، احتمال بزه دیدن فرد را به طور فزاینده‌ای افزایش داده و از این رو نیاز به حمایت از او را نیز بیشتر می‌کند.

بر پایه همین استدلال است که امروزه در بسیاری از کشورها ارتکاب خشونت و آزار علیه افراد بالقوه آسیب‌پذیر (عموما کودکان و سالمندان) از عوامل تشدید کننده جرم تلقی شده و ارتکاب آن عمدتاً با مجازات‌هایی بیشتر همراه خواهد بود.

در همین زمینه به عنوان مثال اعمال خشونت خانگی علیه کودکان در تمامی کشورهای اروپایی از موارد تشدید مجازات محسوب شده و مرتکبان همواره با مجازات‌های بیشتری روبه‌رو هستند. (۲)

اهمیت نقش خشونت‌دیده و تاثیر آن به عنوان یکی از عوامل تشدید کننده مجازات در برخی از کشورهای اروپایی به مانند فرانسه به حدی است که حتی برای شاهدان وقوع این نوع از خشونت (خشونت علیه کودکان) نیز در صورت عدم گزارش آن به پلیس، مجازات پیش‌بینی شده است. (۳)

بیشتر بخوانید:

[قانون و حق فرزندآوری با رضایت در ایران](#)

[نقش پلیس در کاهش خشونت خانگی](#)

[ازدواج اجباری جرم است](#)

از سوی دیگر باید دانست این نابرابری قدرت در دفاع، الزاماً به معنای ناتوانی یا کم‌توانی در قابلیت جسمی نبوده و بیشتر معنای عرفی قدرت در ساختار اجتماعی است که ملاک تشخیص و تمییز قرار می‌گیرد. بدین معنی که صرف تقسیم نابرابر قدرت در ساختار اجتماعی و عرفی برای به حساب آوردن آن به عنوان یکی از عوامل تشدید مجازات کافی بوده و نیازی به بررسی مورد به مورد آن نیست. مانند اینکه در تعدادی از کشورها صرف ارتکاب جرایم نژادپرستانه علیه گروه اقلیت به عنوان عامل تشدید مجازات تلقی می‌شود.

در ایران اما نظام حقوقی کشور به جز در موارد محدود، نقش خشونت‌دیده و به ویژه امکان آسیب‌پذیری بالقوه او را نه تنها به عنوان یکی از عوامل تشدید مجازات محسوب نکرده بلکه حتی در مواردی، مانند موارد وقوع خشونت خانگی، قائل به هیچ گونه مجازات مضاعف یا مستقلاً برای مرتکب نیست، چرا که بنا بر نظر قانونگذار ایرانی، وجود ویژگی خاصی در بزه دیده مانند ناتوانی عرفی او در دفاع و از این رو در معرض جرم بودنش، سبب حمایت بیشتر از او نخواهد بود.

اساساً در شرایطی که نظام اجتماعی قدرت در ایران و به دنبال آن ساختار تقسیم‌بندی قدرت بر پایه برتری مطلق مردان به عنوان همسر، پدر و حتی برادر تعریف شده؛ عدم حمایت از خشونت‌دیده بالقوه در خشونت خانگی، به ویژه عدم تخصیص مجازات برای متخلفان، خود به نوعی حمایت از مرتکب تلقی خواهد شد، چرا که بی‌توجهی به نیاز حمایتی خشونت‌دیدگان بالقوه، خود سبب انتقال این پیام خواهد شد که ارتکاب فعل خشونت‌بار با واکنشی از سوی نظام تنبیهی اجتماعی روبه‌رو نمی‌شود.

عمومی‌انگاری جرم خشونت خانگی

یکی دیگر از انتقادهای مخالفان جرم‌انگاری خشونت خانگی و به دنبال آن پیش‌بینی مجازات برای مرتکبان، این است که این اقدام سبب «محدود شدن قسمتی از آزادی افراد شده» و بر همین اساس «نمی‌توان بی‌جهت تکلیفی را بر افراد تحمیل کرد». (۴)

در حقیقت بر مبنای این تفکر، پیش‌بینی و اعمال مجازات برای مرتکبان خشونت خانگی سبب از دست رفتن حق آنان در انجام اعمالی است که از نظر منتقدان جزو حقوق ذاتی افراد بوده و از این رو تحدید آن، باعث از دست رفتن آزادی‌های مشروع افراد خواهد شد.

شالوده اصلی این تفکر اما از آنجا نشات می‌گیرد که اساساً هر گونه دخالت در روابط خانوادگی افراد به ویژه روابط بین زوجین یا بین فرزندان و والدین امری ناپسند تلقی شده و حل و فصل آن تنها در حیطه خانواده مجاز شمرده می‌شود.

از سوی دیگر مطلق‌انگاری نقش مدیریتی مردان در خانواده در جایگاه‌های متفاوت همسر، پدر و برادر و اعطای آزادی بی‌حد و حصر به آنان در چگونگی اعمال نقش مدیریتی و تربیتی خود، به علاوه مطلق‌انگاری نقش زنان صرفاً به عنوان همسر، مادر یا خواهر، سبب نادیده گرفته شدن حق مستقل و ذاتی آنان به عنوان یک انسان شده است. در نتیجه اینکه اساساً بر مبنای این تفکر، مداخله قانون در چالش‌های پیش آمده در محیط خانواده سبب از دست رفتن این قدرت مطلق شده و از این رو به جایگاه مدیریتی مردان خدشه وارد می‌کند.

اصرار بر ترویج و اعمال این دیدگاه در حالی است که از منظر اصول پذیرفته شده حقوقی، انتفاع اشخاص از حقوق ذاتی خود از جمله حفظ تمامیت جانی آنان، قائم به ذات انسان بوده و به هیچ عنوان قابل سلب و انکار نیست. در نتیجه حمایت و حفاظت از آن نیز باید مورد توجه عمومی قانونگذار و نظام حقوقی-اجتماعی برآمده از آن باشد، چرا که در غیر این صورت به صرف تغییر نقش اجتماعی افراد، حقوق آنان نیز دستخوش تغییر شده و از دست خواهد رفت. حال آنکه با توجه به نقش اجتماعی قوانین در تضمین حقوق تمامی افراد جامعه، نمی‌توان به صرف جایگاه اجتماعی، افراد را بی‌نیاز از حمایت قانونی دانست.

امروزه در بسیاری از کشورهای جهان، جرم خشونت خانگی از حالت یک جرم شخصی خارج شده و برخورد با آن نیازی به شکایت شاکی خصوصی ندارد. ضمن اینکه صرف گزارش وقوع خشونت خانگی از سوی هر کسی برای تعقیب مرتکب و به جریان افتادن روند پیگیری کافی بوده و لزوم دخالت نهادهای قضایی-قانونی (پلیس و سازمان‌های اجتماعی) در صورت اطلاع از وقوع خشونت، مورد شناسایی قانونی قرار گرفته است.

در ایران اما عدم جرم‌انگاری مستقل خشونت خانگی و همچنین یکسان‌انگاری آن با دیگر موارد وقوع جرایم علیه اشخاص سبب شده است شروع روند پیگیری پلیسی-قضایی و به دنبال آن پیگرد مرتکب، منوط به شکایت شاکی خصوصی (خشونت‌دیده جرم) باشد و در صورت عدم تمایل وی برای شکایت، هیچ تضمین قانونی‌ای برای برخورد با مرتکب یا حمایت از خشونت‌دیده وجود ندارد. ضمن اینکه اساساً به تجربه ثابت شده است وابستگی مالی و عاطفی و همچنین سابقه مدت‌ها در معرض خشونت بودن، به علاوه ترس از اقدامات بعدی خشونت‌گر، در موارد بسیاری موجب تردید خشونت‌دیده در گرفتن کمک می‌شود. حال آنکه منوط کردن مجازات مجرم به خواست خشونت‌دیده در چنین مواردی موجب ادامه یافتن چرخه‌ای از خشونت خواهد شد که خشونت‌دیده آن حتی توان روحی و روانی لازم را برای فرار از آن ندارد.

پانویس:

۱. صحبت‌های ذبیح‌الله خداییان، معاون حقوقی قوه قضاییه ایران در انتقاد از لایحه «تامین امنیت زنان در برابر خشونت»، شهریور ماه ۶۹۳۱.

۲. معاهده شماره ۰۱۲ شورای اروپا، مصوب سال ۱۱۰۲

۳. مواد ۲۳۴، ۳۳۴ و ۴۳۴ قانون کیفری جدید فرانسه در مورد لزوم گزارش موارد وقوع خشونت خانگی به پلیس.

۴. صحبت‌های ذبیح‌الله خداییان معاون حقوقی قوه قضاییه ایران در انتقاد از لایحه «تامین امنیت زنان در برابر خشونت»، شهریور ماه ۶۹۳۱.

حمایت گران چگونه قانون را به نفع زنان عوض می‌کنند؟

Photo: Belish/depositphotos.com

باران خسروی

در بسیاری از جوامع، قوانین توانسته‌اند نقش مهمی در کم‌رنگ کردن خشونت و پررنگ کردن امنیت خشونت‌دیدگان داشته باشند. با تصویب قانون‌های منع خشونت علیه زنان، فراهم آوردن سیستم‌های حمایتی و پیوستن به کنوانسیون‌های منع خشونت علیه زنان، بسیاری از این جوامع توانسته‌اند دستگاه‌ها و راه‌کارهایی را برای حمایت از خشونت‌دیدگان راه‌اندازی کنند. متأسفانه اما ایران جزو کشورهایی است که پیوستن به کنوانسیون منع خشونت علیه زنان را رد کرده است.

از سوی دیگر تلاش‌های فعالان زنان برای تصویب قوانین حمایت از خشونت‌دیدگان، پیوسته هزینه‌های زیادی برای آنان داشته است؛ گرچه یکی از دستاوردهای خوبی که بدون شک نادیده گرفتن نقش جامعه مدنی در به وجود آمدن آن منصفانه نیست، بحث لایحه «تامین امنیت زنان در برابر خشونت» است.

این لایحه در سال ۵۹۳۱ در دولت اول حسن روحانی و از سوی «معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری» تدوین شد و شهیندخت

مولوردی، معاون سابق امور زنان و خانواده رئیس جمهوری، آن را به عنوان مهم ترین لایحه مربوط به حوزه زنان معرفی کرده است.

اما از زمان تدوین، این لایحه همواره با مخالفت برخی اصول گرایان و تندروها مواجه بوده است و تاکنون راه های زیادی رفته و در پیچ و خم های دولتی گوناگون اعم از هیات وزیران و قوه قضاییه، بارها مسکوت گذاشته شده است.

بیشتر بخوانید:

[حمایت گران مراقب خودشان باشند](#)

[نقش استراتژی در حمایت گری و خشونت خانگی](#)

[چگونه رسانه ها را با خود همراه کنیم](#)

این روزها خبر این است که لایحه تامین امنیت زنان وارد مرحله نهایی خود شده است و از تمامی مراجعی که باید در مورد این لایحه نظر می داده اند گذشته و اصلاحات و ویرایش های انجام شده است. گرچه خبرها حاکی از آن است که بعد از اصلاحات و ویرایش های فراوان، نگاه جنسیتی از این لایحه گرفته شده، اما به هر حال به نظر می رسد اگر این لایحه تصویب شود گام رو به جلویی در حوزه محو خشونت علیه زنان برداشته خواهد شد.

فرد یا افراد علاقه مند به عنوان حمایت گری یا گروهی از حمایت گران می توانند نقشی مهم و کلیدی در تسریع تصویب این لایحه داشته باشند: اول این که با نوع فعالیت خود می توانند توجه همگانی را در این مورد بالا ببرند و دوم این که با روش های حمایت گری گروهی ممکن است بتوانند به تصویب لایحه سرعت بخشند.

اما در نظر داشته باشید در جوامع بسته که انتخاب نمایندگان بر اساس اصول دموکراسی انجام نمی شود و قوانین موجود به نفع زنان نیست و تبعیض آمیز است، تغییر قوانین بسیار سخت تر است. البته این امر غیرممکن نیست ولی نیاز به استفاده از روش ها و الگوهای متفاوت تر یا خلاقانه تر دارد؛ در عین حال که در همه این موارد رعایت امنیت حرف اول را می زند.

در اینجا به چند روش که در مسیر حمایت گری می تواند به تسریع تصویب لایحه تامین امنیت زنان در برابر خشونت کمک کند، اشاره می شود:

- یادگیری از روش گذشتگان: یادمان نرود در تاریخ این اولین بار نیست که حمایت گران می خواهند قانون مهمی را به تصویب برسانند. خواندن و یادگیری از راه ها و روش هایی که فعالان زنان و حمایت گران در گذشته، چه در داخل ایران و چه در خارج ایران پیموده اند، می تواند روشنگر خوبی در این مسیر باشد.
- تبادل نظر: به احتمال زیاد گروه حمایت گری شما تنها گروه موجود خواهان تغییر نیست. بنابراین در نظر بگیرید اگر هسته اصلی گروه شما در تهران فعالیت می کند، حتما با گروه ها و فعالان زنان در دیگر شهرهای ایران ارتباط برقرار کنید. صرف این که حوادث سیاسی بیشتری در تهران رخ می دهد نباید باعث شود قدرت حمایت گران شهرهای دیگر نادیده گرفته شود. از فعالان زنان و گروه های دیگر بخواهید با نمایندگان یا گروه های تاثیرگذار و قدرتمند در شهرهای دیگر ارتباط بگیرند و با هم تبادل نظر کنند.
- شناسایی عناصر قدرت، ذی نفعان و تاثیرگذاران: یکی از مهم ترین اهداف شما باید شناسایی چهره ها و افرادی باشد که قدرت تاثیرگذاری زیادی در تسریع رسیدگی به این لایحه دارند. این افراد ممکن است در میان نمایندگان یا در سمت های بالای دولتی باشند یا بتوانند روی سطح افکار جامعه و روی ای مطرح و مردمی باشند که می ربطی به سیاست نداشته باشند و تنها چهره ممکن است هیچ همراهی مردم تاثیر بگذارند. مثلا یک چهره سیاسی قدیمی محبوب یا یک چهره هنری محبوب یا هر فرد خاص دیگر. مهم در این جا قدرت مشروعیت، کاریزما و تاثیرگذاری است.
- کند و معمولا دنبال تاثیرگذاری بر رونداست که به سمت هدف مشخصی حرکت می یافته سازی: کمپین یک تلاش سازمان کمپین تصمیم گیری و سیاست گذاری یا تغییر یک موضوع یا بحران اجتماعی است. در واقع کمپین یا کارزار یک فعالیت فراگیر هدفمند است که در یک بازه زمانی مشخص اجرا می شود. درباره این لایحه می توان کمپین مشخصی به راه انداخت. مهم این است که بتوان با انتخاب اسم مناسب برای آن، پیام درست آن را همگانی کرد تا علاقه مندان به آن بپیوندند.
- آموزش: یکی از اهداف کمپین ها و از اهداف مهم حمایت گری بالا بردن آگاهی عمومی است که این امر بدون در نظر گرفتن عنصر آموزش امکان پذیر نیست. فراموش نشود که دانش قدرت است و انتقال این قدرت می تواند ابزار قدرتمندی برای شما باشد.

آموزش می تواند از خود و گروه خود شروع شود: مدام بخوانید و یاد بگیرید تا بتوانید برای هر نوع سوال یا تغییر استراتژی آماده باشید. سعی کنید در طول مسیر حمایت گری، عموم را هم آموزش دهید. مثال می تواند روش کاری کمپین یک میلیون امضا برای تغییر قوانین تبعیض آمیز باشد. ممکن است بگویید که آموزش نیازمند زمان و درگیری افراد است. باید بدانیم که در حمایت گری ما باید همواره دنبال روش های خلاقانه آموزش باشیم و جنبه و نگاه سنتی به آموزش را از یاد ببریم. شما حتی گاهی با یک توییت ساده می توانید دیگران را آموزش دهید یا مثلا وقتی با نمایندگان صحبت می کنید باید در تلاش باشید که تنها هدفتان لابی کردن نباشد و سعی کنید در عین حال

درصد آموزش نمایندگان در خصوص مواردی باشید که از آن آگاه نیستند. اگر در حال جمع‌آوری امضا هستید سعی کنید حتی شده به صورت کوتاه برای افراد وقت بگذارید و در مورد تاثیر تصویب لایحه، آموزش دهید.

- های اجتماعی خود درباره اهمیت تصویب این لایحه بنویسید و درهایی که دسترسی دارید یا در شبکه‌سایت سعی کنید در وب نوشتن: این باره مطالب آموزشی منتشر کنید. مطالب شما می‌تواند مجموعه‌ای از مصاحبه‌ها با افراد متخصص، تجربیات دیگر کشورها یا خبرهای روند تصویب لایحه باشد.
- فکر کردن به تغییر قوانین از راه لابی کردن با های شما باشد. شایدترین حرکت لابی با نمایندگان: ارتباط با نمایندگان شاید یکی از مهم رسد، گاهی مشکل و گاهی نشدنی به نظرمی نمایندگان که منتخب ما نیستند و به لحاظ روش کاری و ایده بسیار دور از ما به نظر و گاهی به رسد می بوده، اگرچه گاهی به نتیجه مورد اعتماد و موثرهای روش برسد، اما واقعیت این است که لابی کردن همیشه یکی از وجود دارد. تر صورت بگیرد، تر و راحت تغییر سریع که این رسد که اگر به نتیجه برسد، احتمال نمی نتیجه

به هر حال تمام نمایندگان دید یکسانی درباره این موضوع ندارند. سعی کنید وقت اصلی خود را روی نمایندگان بگذارید که با شما موافق هستند و از آن‌ها بخواهید که با نمایندگان دیگر ارتباط بگیرند، مخصوصا کسانی که ممتنع هستند و شما به صورت دقیق نمی‌دانید در کجا ایستاده‌اند. شما می‌توانید از نمایندگان موافق مشورت بگیرید و ببینید چگونه ممکن است بتوانید ارتباط بهتری با مخالفان برقرار کنید.

خود شما هم می‌توانید با آن‌ها قرار ملاقات بگذارید و مخصوصا اگر نماینده شهر شما هستند، شاید راحت‌تر بتوانید از این نکته استفاده کنید که برای مردم شهر شما این موضوع مهم است.

در نظر بگیرید که لابی کردن یک مهارت است و نیازمند یادگیری فن گوش دادن و مکالمه سازنده. اگر شما فکر می‌کنید این مهارت را ندارید و ممکن است در طول مکالمه عصبانی شوید یا فضا را ترک کنید، سعی کنید افرادی را در گروه خود انتخاب کنید که هم به لابی کردن معتقد هستند و هم مهارت لازم را در این زمینه دارند. لابی گاهی می‌تواند از طریق گروه‌های دیگر نیز باشد که مورد تایید شما هستند.

- تقویت مهارت‌های ارتباطی: در حمایت‌گری تقویت مهارت‌های ارتباطی بسیار مهم است، مخصوصا در مورد همراه کردن مخالفان. مثلا در صحبت با نمایندگان، مهارت‌های ارتباطی و مکالمه خیلی مهم است. شما نمی‌خواهید از زبان آن‌ها برای مکالمه استفاده کنید و در عین حال هم نمی‌خواهید از زبانی استفاده کنید که بسیار از زبان آن‌ها دور است. سعی کنید از قابل فهم‌ترین و ساده‌ترین ادبیات، با پشتوانه ارقام و آمار واقعی استفاده کنید.
- ایجاد حس همدردی: همدردی ابزاری بسیار قوی است و ایجاد آن می‌تواند با قرار دادن مخالفان در موقعیت خشونت‌دیدگان، برانگیخته شود. فرقی نمی‌کند که طرف مخالف ما مرد باشد یا زن. سعی کنید به آن‌ها نشان دهید چگونه تصویب این لایحه می‌تواند زندگی آن‌ها ای‌رو شدید و از جمله کلیشه‌به‌را به صورت مثبت مورد هدف قرار دهد. مثلا اگر در حین صحبت با مخالفی با خنده و تمسخر او رو تواند چه نقشی در راستای حقوق فرزندان، مخصوصا استفاده شد، به او یادآوری کنید که این قانون می «این قانون ضد مردان است» دختران داشته باشد.
- پیامک، تماس تلفنی و ایمیل زدن: قطعا دسترسی و دیدار با نمایندگان برای همه مقدور نیست، اما پیامک زدن یا تماس تلفنی می‌تواند برای همه راحت باشد. به دفتر نماینده خود زنگ بزنید و اگر جواب ندادند، برای آن‌ها پیغام بگذارید و درخواست خودتان را به صورت شفاف مطرح کنید.

[عضو کانال تلگرام خانه امن بشوید.](#)

سعی کنید پیام شما مشخص باشد و از گذاشتن پیام بلند خودداری کنید. گاهی تماس تلفنی سخت است و تکست زدن راحت‌تر. سعی کنید متن کوتاهی آماده کنید و به نماینده‌تان یا نماینده‌های دیگر و افراد مسئول پیامک بزنید.

یکی از کارهای کمپین شما می‌تواند پیدا کردن شماره نمایندگان باشد. در یک فراخوان همگانی از عموم افراد جامعه بخواهید همراه شما شوند و با نمایندگان تماس بگیرند. ایمیل زدن هم به همین روش می‌تواند به شما کمک کند.

- گری مورد توجه بوده است. خوب است اگر بتوانیدهای حمایت‌نویسی همواره در طول فعالیت طومار نویسی و بیانیه جمع کردن امضا بیانیه‌ای با لغات قدرتمند و قابل فهم برای همگان بنویسید و همچنین بتوانید امضاهای زیادی از گروه‌های مختلف داشته باشید. در بیشتر بیانیه‌ها وقتی عدد به میلیون می‌رسد می‌تواند توجه جهانی به خود جلب کند.
- نقش روزنامه‌نگاران: بدون شک در کشورهای بسته که روزنامه‌ها توان و آزادی بیان زیادی ندارند، دست‌یابی به روزنامه یا رسانه‌ای که درخواست شما را منعکس کند، سخت است اما، یکی از بهترین روش‌ها ارتباط با روزنامه‌نگاران است که حساسیت جنسیتی دارند و مورد بنویسند یا با نمایندگان ها بخواهید در این‌توانید از آن‌نگاران فعال هستند می‌زنند. اگر این روزنامه‌هاست در این حوزه قلم می‌سال مصاحبه کنند یا کمپین شما را پوشش بدهند. اگر روزنامه‌نگاران قبلا فعالیت داشته‌اند، می‌توان از آن‌ها خواست از شبکه خود استفاده

کنند و زمینه ارتباط شما با دیگر همکارانشان را فراهم آورند. فراموش نکنید بسیاری از فعالان زنان سابق یا کنونی و بسیاری از حمایت‌گران زنان، شغلشان روزنامه‌نگاری است و آن‌ها می‌توانند گروه‌های همبستگی قوی‌ای باشند.

- شبکه‌های اجتماعی: استفاده از شبکه‌های اجتماعی یکی از قدرتمندترین روش‌های اطلاع‌رسانی است و شما می‌توانید خود رسانه خود باشید. این روزها طوفان‌های توئیتری قدرت زیادی در همگانی کردن پیام شما دارند. مخصوصاً که بیشتر مسئولان کشور هم در شبکه‌های اجتماعی مثل توئیتر فعال هستند. شما می‌توانید خواست همگانی خود را در باب تصویب این قانون به صورت هشنگ در آورید و از عموم بخواهید در ساعت مشخص یا در روزی مشخص در به اشتراک گذاشتن این هشنگ کمک کنند.

قطعا هشنگ‌ها و پیام‌ها در شبکه‌های اجتماعی به تنهایی نمی‌توانند موثر باشند اما می‌توانند بخش کوچکی را مورد هدف قرار دهند.

باید توجه داشته باشیم قدرت هشنگ‌ها زمانی در آموزش تاثیرگذار است که افراد به صورت سرسری تنها به اشتراک‌گذاری نپردازند و شروع به تحقیق و کنکاش درباره موضوع کنند یا پشت آن هشنگ داستان قوی و تاثیرگذاری وجود داشته باشد تا بتواند توجه عمومی زیادی را جلب کند.

- حمایت گرفتن از جامعه جهانی: همزمان با کمپین‌های داخلی می‌توانیم از افراد و گروه‌های فعال زنان یا حمایت‌گران دیگر کشورها بخواهیم در هم‌رسانی درخواست تصویب به ما کمک کنند. گاهی پیام جامعه زنان مسلمان دنیا ممکن است اثری بیشتر از پیام داخلی داشته باشد. برخی سازمان‌های بین‌المللی نیز قدرت بیشتری در پیام‌رسانی دارند و گاهی می‌توان با گروه‌های مهم و تاثیرگذار داخلی و خارجی لابی کرد.
- تبدیل تهدیدها به فرصت: در نهایت همیشه به خاطر داشته باشید برای مخالفت آماده باشید و از تهدیدهای پیش آمده به عنوان فرصت استفاده کنید. به عنوان مثال مخالفت یک نماینده شاید برای کمپین شما بد هم نباشد تا با پررنگ کردن جنبه‌های منفی پیام مخالف، به نتیجه مطلوب‌تری برسید.

فهرست منابع:

[منبع اول](#)

[منبع دوم](#)

[منبع سوم](#)

کاهش جرم‌انگاری‌های لایحه تامین امنیت زنان در برابر خشونت

Photo: Meghdad Madadi/tasnimnews.com

معاون حقوقی قوه قضاییه از کاهش جرم‌انگاری‌های پیش‌بینی شده در لایحه تامین امنیت زنان در برابر خشونت خبر داد.

ذبیح‌الله خدائیان در گفت‌وگو با خبرنگار قضایی خبرگزاری تسنیم درباره آخرین وضعیت بررسی لایحه تامین امنیت زنان در برابر خشونت که در دست بررسی معاونت حقوقی قوه قضاییه قرار دارد اظهار کرد: لایحه مزبور بررسی شده و تقریباً چند ماهی است در دست بررسی کارگروه‌های مختلف قرار دارد و درباره مواد قضایی پیش‌بینی شده در این لایحه، بحث و بررسی می‌شود.

این مقام مسئول قضایی با بیان اینکه سعی شده لایحه تامین امنیت زنان در برابر خشونت، واقعی‌تر باشد گفت: در بررسی‌ها سعی کرده‌ایم با توجه به فرهنگ اسلامی حاکم بر جامعه ما، لایحه یاد شده را به روح جامعه نزدیک‌تر کنیم.

معاون حقوقی قوه قضاییه ادامه داد: در این بررسی‌ها، وظایفی برای نهادهای حمایتی در رابطه با زنان بزه‌دیده پیش‌بینی و سعی شده قسمتی از جرم‌انگاری‌های موجود در لایحه پیشنهادی دولت کاسته شود.

خدایان ادامه داد: سعی کرده‌ایم در بررسی‌های خود، این لایحه را با سیاست‌های بالادستی مانند قانون احکام دائمی برنامه ششم توسعه و سیاست‌های کلی نظام ابلاغی مقام معظم رهبری، منطبق کنیم.

وی با بیان اینکه در سیاست‌های کلی ابلاغی بر حبس‌زدایی تأکید شده است افزود: بر این اساس، همواره سعی کرده‌ایم در تدوین قوانین از میزان مجازات‌هایی مانند حبس کاسته شود و بیشتر به سمت مجازات‌های جایگزین رفته‌ایم.

منبع: [خبرگزاری تسنیم](#)

سپردن قربانی به دستان آلوده آزارگر

Photo: MilanMarkovic78/shutterstock.com

ماهرخ غلامحسین‌پور

انتشار یادداشت زهرا آیت‌اللهی، رئیس شورای فرهنگی - اجتماعی زنان و خانواده، در مخالفت با لایحه منع خشونت علیه زنان، تبدیل به فرصت تازه‌ای برای توجه رسانه‌ها و افکار عمومی به وضعیت نابسامان خشونت خانگی در ایران شد.

او هفته گذشته در یادداشتی که در ستون سرمقاله روزنامه کیهان منتشر شد، نوشت: «زنی که پدر و برادر و شوهر داشته باشد دیگر نیاز به قانون ندارد.»

روح کلی سرمقاله او به عنوان یکی از افراد موثر در حیطه قانونگذاری و تعیین و تبیین برنامه‌های حمایت‌گر مرتبط با زنان آسیب‌دیده، این بود که قریب به 66 درصد زنانی را که طبق آمار دولتی، مورد خشونت مردان خانواده خود قرار گرفته‌اند، تحت حمایت و سلطه همین مردان قرار دهیم.

او در بخش‌هایی از این سرمقاله به این نکته اشاره کرده بود که لایحه منع خشونت علیه زنان که شش سال پیش به پیشنهاد شهیندخت مولاوردی، معاون وقت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری، تدوین شد و هم‌اکنون برای اظهارنظر و تایید قوه قضاییه در آنجا متوقف شده، بیشتر برای حمایت از روسپیان تدوین شده و از زنانی حمایت می‌کند که با اراده خویش، خودشان را در معرض تعرض جنسی قرار می‌دهند.

خانم آیت‌اللهی در این سرمقاله خواهان آن شده که بیش از نیمی از جامعه زنان ایرانی را که در معرض خشونت خانگی هستند، بی‌پشتوانه و مداخله قانونی در حوزه چهاردیواری خانواده، به دست مردان همان خانواده بسپاریم. او اشاره کرده که مردان خانواده باید مسوولیت حمایت از زنان را بر عهده بگیرند اما در عین حال در متن این سرمقاله اشاره‌ای به وضعیت دخترانی که توسط پدرانشان مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند، یا آمار تکان‌دهنده قتل‌های ناموسی که رتبه نخست جنایت در کشور را شامل می‌شود، نکرد.

خانم آیت‌اللهی لایحه منع خشونت علیه زنان را عاملی برای تبدیل کردن خانه به معرکه‌ای دانسته که در آن زنان، با فرار از مسوولیت و خارج کردن مردان از جایگاه اصلی مدیریتی‌شان، روح صمیمیت و یک‌پارچگی آنجا را به مخاطره می‌اندازند. او البته به زنان کارگر خانگی بی‌مزد اشاره نکرده است که گاهی روزانه در ازای دریافت یک وعده غذای گرم، هشت تا دوازده ساعت در مزارع و شالیزارها کار می‌کنند و تنها مالک یک درصد زمین‌های خانواده هستند.

لایحه منع خشونت علیه زنان که در پنج فصل تدوین شده، تلاشی برای کاهش و کنترل خشونت علیه زنان در خانه و در سطح جامعه است که اجازه دسترسی زنان آسیب‌دیده به نهادهای امن و حمایت‌های قانونی و دولتی را صادر می‌کند. در این لایحه، مساله خشونت خانگی به عنوان عنصری که در پستوی پنهان خانواده و محدوده «چهاردیواری اختیاری» رخ داده است، تعریف نخواهد شد و اعمال خشونت خانگی علیه زنان می‌تواند با مجازات‌هایی روبرو شود.

خانم زهرا آیت‌اللهی که تحصیلات حوزوی دارد و مدت‌ها مسوول واحد خواهران نهاد نمایندگی رهبری بوده است. او از جمله کسانی است که در سال 72 تلاش کرد با نگاهی به مبانی دینی و ایدئولوژیک، بخش‌هایی از قانون مدنی را طبق مبانی دینی اصلاح و تبدیل به قانون کند.

درک این مساله که نویسنده این اظهارات علیه زنان و علیه سال‌ها مبارزه برای دستیابی به حقوق برابر، کسی است که در تبیین منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در جمهوری اسلامی که بعدها در مجلس هفتم به قانون تبدیل شد و همچنین در تدوین سند ملی در رابطه با حقوق کودک و نوجوان مداخله مستقیم داشته، به نظر نگران‌کننده می‌آید.

خانم آیت‌اللهی معتقد است زنان به محض حمایت قانونی «به موجودی تبدیل می‌شوند بهانه‌جو، ایرادگیر و نازپرورده که می‌توانند هر اقدام مرد را به خشونت علیه خود تعبیر کنند.»

از نظر او در لایحه منع خشونت علیه زنان برخی رفتارهای مصلحت‌آمیز مردان برای محدود کردن زنان، نوعی خشونت اجتماعی، اقتصادی و روانی تلقی شده است.

با اینکه آمارهای مشخص و مدونی از خشونت خانگی علیه زنان در ایران وجود ندارد و تنها مرجع قابل اتکا موجود، نتایج تحقیقاتی است که چندی پیش در کمال شگفتی در وزارت کشور مفقود شد، اما با ثبت موارد خشونت در پزشکی قانونی یا نتایج تحقیقات خردتر، به راحتی می‌توان به وضعیت اسفبار و فزاینده خشونت‌های خانگی در ایران پی برد.

سال 1395 در محدوده استان تهران بالغ بر 17 هزار و 83 مورد همسرآزاری در پزشک قانونی این استان به ثبت رسیده است. به لحاظ افزایش آمار و ارقام همسرآزاری نیز این مقوله از سال 1388 رشد قابل ملاحظه‌ای داشته، به شکلی که 52 هزار مورد ثبت شده همسرآزاری در سال 1388 در سال گذشته به 77 هزار مورد افزایش یافته است.

لازم به ذکر است که آمار مذکور، محدود به مواردی است که خشونت خانگی به ثبت رسیده است چرا که میزان قابل توجهی از خشونت خانگی به علت تابوهای اجتماعی و حفظ آبروی خانواده، به مرحله شکایت و ثبت در مراجع قانونی نمی‌رسد.

سال گذشته **دویچه وله** نوشت یک تیم وابسته به دانشگاه علوم پزشکی گیلان که میزان خشونت خانگی در شهر رشت را مورد بررسی و ارزیابی علمی قرار داده بود، اعلام کرده است که قریب به 64 درصد زنان جامعه هدف این تحقیق مورد خشونت قرار گرفته‌اند.

مهناز پراکند، وکیل دادگستری و فعال حقوق بشر و زنان، قوانین جاری در ایران را ریشه تبعیض و خشونت علیه زنان می‌داند.

او در خصوص سرمقاله خانم آیت‌اللهی می‌گوید: «متأسفانه وقتی انتخاباتی سالم و عادلانه نداشته باشیم، اشخاصی همچون خانم آیت‌اللهی متصف به وصف نمایندگی مجلس قانون‌گذاری می‌شوند که کم‌ترین آشنایی با قانون و قانون‌گذاری ندارند و در چنین شرایطی بعید نیست که هرازگاهی شاهد برخی از این گونه اظهارنظرهای غیر کارشناسانه باشیم که قانون را تا حد قضاوت‌های فردی مردان خانواده تنزل دهد و خود مروج خشونت علیه زنان می‌شود.»

این وکیل دادگستری معتقد است قوانین تبعیض‌آمیزی که ریشه خشونت است، مشکلات بسیاری را برای زنان جامعه ایران ایجاد کرده است.

«مشکلاتی که گاهی حتی برخی از زنان ما تنها راه‌هایی را در خودکشی دیده‌اند. قوانینی که ارزش جان زن را نصف ارزش جان مردان و حتی کم‌تر از ارزش بیضه چپ مرد می‌داند. مرد را رئیس خانواده و زن را گوش به فرمان او می‌پندارد. قوانینی که پدر و جد پدری را صاحب جان و مال فرزند و فرزند پسریش می‌داند و مادر را در حد و اندازه موجودی برای زاییدن، شستن، رفت و روب، پختن، خوراندن و تماشای بزرگ شدن فرزندان به فرودست می‌کشد.»

این حقوق‌دان به قوانینی اشاره می‌کند که به مرد اجازه می‌دهد در صورت دیدن همسرش با مردی غریبه در یک بستر، بدون هیچ سوال و جوابی هر دو را بکشد و بعد هم آزادانه در جامعه تردد کند بدون اینکه با مجازات همراه شود.

خانم پراکند به پرونده‌هایی اشاره می‌کند که با موضوعات مربوط به حقوق خانواده و دعاوی کیفری مطروحه در مراجع قضایی، ناشی از خشونت‌هایی هستند که قانون تجویز کرده و زنان را مملوک مرد شناخته است.»

او به خانه امن می‌گوید: «خانم آیت‌اللهی با اظهارنظر غیرکارشناسانه‌اش، نه تنها نشان داد که کرسی مجلس قانون‌گذاری را به ناحق غصب کرده، که نشان داد در جامعه ما هنوز هستند زنانی که تبعیض و خشونت علیه خود، به‌ویژه در خانواده را امری طبیعی می‌دانند و مردان خانواده را حامی و صاحب جسم و جان خود می‌پندارند. خانم آیت‌اللهی لایحه منع خشونت علیه زنان را لایحه‌ای برای حمایت از زنان

روسی عنوان کرده اما باید بدانند که به عنوان نماینده مجلس وظیفه دارد که به فکر قانونی در حمایت از روسپیان هم باشد.»

«لیلا» یک زن قربانی خشونت است. او که برادری ندارد و پدر و مادرش فوت شده‌اند یک زن خانه‌دار و دارای چهار فرزند است. لیلا می‌گوید در طول ده سال گذشته و بعد از تولد دومین فرزندش هیچ هفته‌ای را بدون کتک و خشونت سر نکرده است. همسرش هیچ ابایی از زلت و پار کردن و کبود کردن لیلا ندارد. لیلا دو بار به کلانتری محل مراجعه کرده اما آن‌ها نصیحتش کرده‌اند که سر خانه و زندگی‌اش برگردد و بهتر است از آبروریزی و بی‌حیثیت کردن شوهرش دست بردارد و به زندگی‌اش دل بدهد. او می‌گوید امیدی به حمایت قانون ندارد و همسرش هم به این بی‌عملی و ناامیدی از نهادهای قانونی و دولتی آگاه است و چون هیچ مرجعی را ناظر به رفتارش نمی‌داند، کاملاً در آسیب‌هایی که می‌زند آزاد و آسوده است. لیلا می‌گوید از دخترخاله‌اش شنیده است که در کشورهای پیشرفته، دولت به عنوان مدعی‌العموم، به شکلی حساس و پیگیر، از قربانی خشونت خانگی دفاع و حمایت می‌کند و بسیاری والدین از ترس اعتراض مدرسه و مدعی شدن پلیس محله، به شدت رفتارها و واکنش‌های خشونت‌آمیزشان را کنترل می‌کنند. لیلا آرزومند رسیدن جامعه به چنین درک و دریافتی است. این که جامعه به جای امن و قابل سکونت برای همه اعضایش تبدیل بشود.

نجمه واحدی، دانش‌آموخته جامعه‌شناسی و فعال حقوق زنان ساکن ایران، یکی دیگر از کسانی است که نسبت به اظهارات اخیر خانم آیت‌اللهی واکنش نشان می‌دهد.

او با اظهار تاسف از اینکه دیدگاه خانم آیت‌اللهی جدید و منحصر به فرد نیست، می‌گوید «متأسفانه چنین صدایی از بخش‌های دیگر بدنه جامعه به گوش می‌رسد.»

از نظر این فعال حقوق زنان «نهاد آموزش و نهاد خانواده، در آموختن مهارت‌های زندگی به افراد، بسیار کوتاهی کرده است.»

«در بعضی کارگاه‌هایی که برای آگاهی‌بخشی راجع به انواع خشونت خانگی و مصادیق آن برگزار می‌کنیم، بخشی از حاضران، بسیاری از شکل‌های خشونت را نمی‌شناسند، و این بدرفتاری‌ها را بخشی از جریان عادی زندگی زناشویی تلقی می‌کنند! رفتارهایی مانند پنهان کردن درآمد مرد از همسرش، تمسخر و کوچک کردنش در حضور جمع، بدون مشورت او برای امور مختلف خانواده تصمیم گرفتن، محدود کردن روابط زن با دوستانش، یا بهانه جویی و تعیین تکلیف برای ظاهرش.»

به باور او «خانم آیت‌اللهی هم از سر همین ناآگاهی‌ها و برداشت‌های ساده‌انگارانه از خشونت، به جای آنکه در منصبی که هستند برای بالا بردن آگاهی جامعه برای بهبود وضعیت زنان تلاش کنند، بیشتر نگران مردان هستند که مبدا بدرفتاری‌های زیادی که در فقدان آموزش‌های رسمی و غیررسمی در حیطه خانواده انجام می‌دهند، برایشان خدای نکرده پیامدهای قضایی به همراه داشته باشد.»

او به آمار بالای خشونت خانگی در ایران اشاره می‌کند و ضمن نگرانی برای قربانیان خشونت در خانواده می‌گوید: «با وجود راهکار عجیب خانم رئیس شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، قربانیان خشونت خانگی هیچ پناه قانونی ندارند و باید از دیگر مردان خانواده که نه لزوماً وجودشان در هر خانواده‌ای قطعی است و نه شایستگی‌شان، برای حمایت از خود کمک بگیرند.»

خانم واحدی در بخش انتهایی سخنانش به نقش و کارکرد جامعه مدنی و حقوق شهروندی اشاره می‌کند، آنجا که بر پایه آن‌ها همه آحاد جامعه با هم برابرند: «حقوق شهروندی آن چیزی است که ما در جامعه جدید پس از پشت سر گذاشتن نظام ریش‌سفیدی و مدیریت جامعه به شکل قبیله‌ای به آن دست یافته‌ایم، حقوقی که به ما می‌گوید همه انسان‌ها در پیشگاه قانون با یکدیگر برابرند و کسی حق ظلم و تعدی به دیگری را ندارد فارغ از هر نسبتی که با شخص داشته باشد. اگر ما از چنین اصل بدیهی عقب‌گرد کنیم و به بهانه تقدیس خانواده، حقوق اعضای یک خانواده را نادیده بگیریم، آیا نام این کار کمک به حفظ کیان خانواده است یا دامن زدن و مخفی کردن بیش از پیش آسیب‌های این نهاد مهم اجتماعی؟»

متن کامل لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت

Photo: Mohsen Norouzifard/icana.ir

لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت، این روزها در قوه قضاییه در دست بررسی است تا پس از بررسی و تکمیل جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی فرستاده شود. در همین رابطه گروهی از شهروندان با تهیه و امضای نامه‌ای خطاب به معاون قوه قضاییه خواهان

اصلاح لایحه امنیت زنان و تعیین مصداق انواع خشونت علیه زنان بر اساس تجربه موفق دیگر کشورها و استانداردهای بین‌المللی شدند.

متن کامل نامه را از اینجا ببینید و در صورت تمایل امضا کنید.

خانه امن برای نخستین بار متن کامل این لایحه را منتشر می‌کند:

لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت

فصل اول: کلیات و مفاهیم

ماده - 1 اهداف این قانون عبارتند از:

الف) تقویت و تحکیم نظام خانواده؛

ب) تأمین حقوق زنان به منظور حفظ کرامت و امنیت آنان؛

ج) پیشگیری از خشونت علیه زنان؛

د) حمایت از زنان قربانی یا در معرض خشونت؛

ه) تأمین و افزایش سطح آگاهی جامعه در خصوص خشونت علیه زنان و راه‌های مقابله با آن.

ماده 2- حمایت‌های مندرج در این قانون شامل زنان بالاتر از 18 سال تمام شمسی و زنان متأهل کمتر از 18 سال تمام شمسی می‌شود.

ماده - 3 خشونت جرم بوده، هیچکس حق ندارد در روابط خانوادگی، اماکن خصوصی، عمومی و یا دولتی به قصد آسیب علیه زنان مرتکب آن گردد، در صورت ارتکاب، مطابق احکام این قانون مجازات می‌شود.

ماده - 4 مفاهیم و اصطلاحات به کار رفته در این قانون به شرح زیر تعریف می‌شوند:

1-1 خشونت: هر یک از موارد مندرج در بندهای این ماده، که موجب صدمه به شخصیت، جسم، روان و مال زنان می‌گردد:

الف) خشونت جسمی: هرگونه رفتاری که موجب ورود صدمه یا درد و رنج بدنی شده یا به کرامت، سلامت و یا تمامیت جسمی آسیب وارد کند یا مانع رشد و سلامت و یا خطری برای حیات باشد.

ب) خشونت روانی و عاطفی: هرگونه رفتاری که به کرامت، سلامت، رشد یا تمامیت روانی آسیب برساند یا باعث آسیب عاطفی و کاهش عزت نفس شود؛ از قبیل توهین، تحقیر، استهزاء، اعطای لقب نامتعارف، تهدید، انزوای اجباری، تحت نظر گرفتن و یا تعقیب مداوم، تحمیل شرایط روحی و روانی آزاردهنده، کنترل نامتعارف اعمال و رفتار، در معرض مناقشات مکرر یا شدید قرار دادن و یا مجموعه رفتارهایی که موجب احساس عدم امنیت شود.

ج) خشونت جنسی: هرگونه تجاوز، تعرض، آزار، بهره‌کشی یا سوء استفاده جنسی و یا وادار کردن به فعالیت جنسی که برای سلامت جسمی یا روانی فرد مضر باشد.

د) خشونت اقتصادی: هرگونه رفتاری که منجر به محرومیت کلی یا جزئی و یا ممانعت از تصرف در اموال یا ارثیه یا در اشتغال و کسب درآمد در صورت عدم وجود منع قانونی گردد یا منجر به ممنوعیت یا محدودیت در دستیابی به اموال یا امکاناتی شود که به اعتبار رابطه خانوادگی مستحق برخورداری از آن است، مانند منزل مشترک و نفقه.

ه) بهره‌کشی جنسی: عرضه، بکارگیری، در اختیار گرفتن، وادار یا اجیر نمودن زنان برای فحشاء یا سایر فعالیت‌های تجاری جنسی با اجبار، اخاذی، تقلب، تهدید، تحریک یا سایر شیوه‌های غیرقانونی یا وادار کردن زن به فعالیت‌های جنسی.

و) تجاوز جنسی: هرگونه واقعه که با عنف، اجبار، اکراه، اغفال یا تهدید صورت گیرد.

ز) تعرض جنسی: هرگونه رفتار جنسی غیر از واقعه با عنف، اجبار، اکراه، اغفال یا تهدید که مستلزم تماس فیزیکی بین مرتکب و بزه-

دیده باشد. استفاده از اشیاء در برقراری تماس فیزیکی در حکم تعرض جنسی است.

ح) آزار جنسی: هرگونه رفتار جز موارد مندرج در بندهای 7 و 8 که بدون رضایت زن، با بهره‌گیری از موضوعات و مضامین مستهجن یا مبتذل نسبت به وی ارتکاب یابد یا با قصد لذت جنسی مرتکب که منتهی به آزار زن شود، صورت پذیرد.

ط) مزاحمت جنسی: هرگونه رفتار غیرمتعارف و متفاوت بر اساس جنسیت که توهین نسبت به کرامت زن قلمداد شود.

ی) خودآزاری: شامل اقدام به خودکشی، وارد کردن جراحت و آسیب به خود، سوء مصرف مواد مخدر و روانگردان.

ک) آداب و رسوم ناپسند: شامل مواردی مانند ازدواج اجباری، ازدواج زود هنگام، جرایم ناموسی، قطع برخی اعضا، مبادله زنان برای جبران خسارت یا جلب رضایت یا سایر عرف‌های تحقیرآمیز یا خشونت‌بار نسبت به زنان.

ل) جرایم ناموسی: ارتکاب خشونت علیه زن از سوی اعضاء خانواده یا طایفه وی به عنوان اعاده حیثیت یا شرافت به جهت ظن به داشتن رابطه نامشروع، انتشار شایعه در مورد وی، قربانی تجاوز یا تعرض جنسی شدن، ازدواج یا طلاق و مانند اینها.

2-4 وضعیت آسیب‌پذیری: اوضاع و احوال مبتنی بر شرایط فردی زن شامل بیماری، بارداری و کم‌توانی یا موقعیت اجتماعی و اقتصادی زن مانند پناهندگی، آوارگی، فقر و یا شرایط ناشی از روابط خانوادگی و شغلی زن با مرتکب.

3-4 رابطه خانوادگی: رابطه سببی یا نسبی در هر طبقه و هر درجه به گونه‌ای که به جهاتی مانند سکونت در یک منزل یا رفت و آمد مستمر، عرفاً خانواده یا دارای روابط خانوادگی نزدیک قلمداد شوند. رابطه نامزدی، قیمومت، سرپرستی و کار در منزل نیز در حکم روابط خانوادگی است.

4-4 تدابیر پیشگیرانه: اقدامات عملی است که به منظور محو عوامل خشونت‌زا و جلوگیری از وقوع آن اتخاذ می‌گردد.

5-4 تدابیر حمایتی: اقدامات عملی است که به منظور حمایت از مجنی علیها (بزه دیده خشونت) اتخاذ می‌گردد.

فصل دوم: تشکیلات و تدابیر حمایتی و پیشگیرانه

مبحث اول: کمیته ملی تأمین امنیت زنان

ماده 5- جهت پیگیری اهداف مندرج در این قانون، کمیته تأمین امنیت زنان در برابر خشونت که به اختصار کمیته ملی نامیده می‌شود در مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری با اهداف و وظایف زیر تشکیل می‌گردد:

الف) تهیه و تنظیم راهبردها، برنامه‌ها، خط‌مشی‌ها و تعیین اولویت‌ها؛

ب) انسجام بخشی برنامه‌ها و اقدامات دستگاه‌ها و نهاد‌های مرتبط با اهداف و وظایف این قانون؛

ج) انجام مطالعات و تحقیقات آماری و اطلاعاتی و تحقیق درباره علل، ماهیت، میزان جدی بودن و نتایج خشونت علیه زنان و میزان تأثیر اقدامات برای پیشگیری و جبران خسارت خشونت علیه زنان با همکاری مراکز حوزوی و دانشگاهی؛

د) ایجاد زمینه مناسب برای اعتلای کرامت و ارزش زنان، رفع تبعیضات ناروا در تمام عرصه‌های اجتماع و ایجاد محیط مساعد جهت رشد فضائل اخلاقی؛

ه) شناسایی و تبیین جایگاه زنان و منع خشونت علیه آنان در موازین اسلامی با همکاری مراکز حوزوی در پرتو اجتهاد مستمر؛

و) ترویج آموزه‌های دینی و احکام شرعی در جهت مقابله با خشونت علیه زنان با همکاری مراکز حوزوی و دانشگاهی؛

ز) ارتقاء آگاهی عمومی و تهیه برنامه‌های آموزشی با رویکرد تغییر الگوهای رفتاری خشونت‌زای زنان و مردان، حذف آداب و رسوم ناپسند، ترویج الگوهای شایسته رفتار با زنان، تشریح علل و عوامل خشونت و عواقب ناشی از آن از طریق صدا و سیما و سایر رسانه‌های گروهی؛

ح) پایش و ارزیابی عملکرد فعالیت‌های دستگاه‌های ذیربط در سطح ملی و استانی درخصوص اجرای این قانون؛

ط) ارائه گزارش‌های جامع، موردی و ادواری در خصوص اجرای این قانون به هیات دولت و مجلس

ی) ایجاد بانک جامع اطلاعاتی در خصوص آمار خشونت در جامعه؛

ک) پیگیری تهیه و تدوین برنامه‌های آموزشی با همکاری دستگاه‌های اجرایی؛

ل) ایجاد زمینه‌های همکاری با نهادهای دولتی و غیردولتی و سازمان‌های بین‌المللی.

ماده - 6 اعضای کمیته تأمین امنیت زنان در برابر خشونت، که با حکم رییس جمهور منصوب می‌شوند، عبارتند از:

1. وزیر کشور به عنوان رئیس کمیته ملی؛
2. رییس مرکز زنان و خانواده ریاست جمهوری به عنوان دبیر کمیته ملی؛
3. یک نماینده متخصص از کمیسیون اجتماعی مجلس با معرفی هیأت رئیسه؛
4. معاون وزارت دادگستری؛
5. معاون وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛
6. معاون وزارت آموزش و پرورش؛
7. معاون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛
8. معاون وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی؛
9. معاون وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛
10. معاون سازمان صدا و سیما؛
11. معاون سازمان بهزیستی؛
12. رئیس خانه های امن؛
13. نماینده تام‌الاختیار قوه قضاییه؛
14. نماینده تام‌الاختیار نیروی انتظامی؛
15. برای مدت نهاد فعال در حوزه حقوق زنان‌های مردم‌سازمان‌ها، مؤسسات مددکاری اجتماعی و سه نماینده به انتخاب کلینیک سه سال؛
16. های وکلای سرار کشور به مدت سه سال؛ نماینده کانون وکلا با معرفی اتحادیه کانون
17. یک استاد دانشگاه در رشته مرتبط به انتخاب شورای عالی انقلاب فرهنگی به مدت سه سال؛
18. یک مدرس حوزه با معرفی مرکز مدیریت حوزه علمیه قم به مدت سه سال؛

تبصره 1- نمایندگان معرفی شده باید ترجیحاً از بین زنان دارای تحصیلات، تخصص یا تجربه در امور زنان باشند.

تبصره 2- نحوه تشکیل و برگزاری جلسات، به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف دو ماه از تشکیل اولین جلسه کمیته، توسط کمیته تهیه و به تصویب ستاد ملی زن و خانواده می‌رسد.

ماده - 7 کمیته تأمین امنیت زنان در برابر خشونت موظف است، هر سال گزارش اقدامات انجام شده در راستای این قانون را به کمیسیون اجتماعی مجلس ارسال و موارد تخلف دستگاه‌های اجرایی موضوع این قانون را به سازمان بازرسی کل کشور اعلام نماید. کمیسیون اجتماعی موظف است ظرف یک ماه پس از بررسی گزارش و صحت مطالب طرح شده، خلاصه گزارش را در صحن علنی مجلس قرائت و نتایج آن را جهت اطلاع عموم منتشر سازد.

تبصره- نماینده مجلس عضو کمیته موظف است ارسال به موقع و صحیح گزارش را پیگیری و نتیجه را به هیأت رئیسه مجلس و کمیسیون اجتماعی گزارش نماید.

مبحث دوم: وظایف دستگاه‌های اجرایی و نهادهای حکومتی

ماده - 8 قوه قضائیه مکلف است در راستای تحقق اهداف این قانون اقدامات زیر را انجام دهد:

الف) ایجاد شعبات ویژه جهت رسیدگی به پرونده‌های موضوع این قانون در شهرها و مراکز استان‌ها و کلان شهرها یا تعیین قاضی ویژه برای رسیدگی به پرونده‌های ارجاعی؛

ب) تهیه متون و برنامه‌های آموزشی مرتبط و آموزش ویژه قضات، ضابطین و کارکنان شعبات تخصصی، زندان‌ها و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی؛

ج) اتخاذ تدابیر مناسب جهت پیشگیری از خشونت علیه زنان در مراجع قضایی، زندانها و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی؛

د) تقویت مراکز مراقبت پس از خروج، به منظور نظارت بر محکومان زن و تلاش در جهت بازاجتماعی کردن و بازگشت آنان به زندگی سعادت‌مندانه؛

ه) فراهم کردن زمینه های قانونی مناسب جهت حضور مددکاران اجتماعی مراکز اورژانس اجتماعی و کلینیک های مددکاری حسب ضرورت در جلسات دادگاه افراد بزه دیده؛

ط) همکاری با موسسات و کلینیک های مددکاری و مراکز اورژانس اجتماعی جهت صدور مجوز و احکام قانونی طبق قوانین جاری کشور؛

ماده 9 - وزارت دادگستری مکلف است در جهت اهداف این قانون اقدامات زیر را انجام دهد:

الف) تدوین منشور اخلاقی برای کارکنان حقوقی دستگاه های اجرایی، مشاوران حقوقی، وکلاء، کارشناسان و مترجمان رسمی و نظارت بر حسن اجرای آن؛

ب) ایجاد مراکز معاضدت حقوقی جهت ارائه خدمات به زنان قربانی خشونت با همکاری مراکز علمی و دانشگاهی؛

ج) ارتقاء سطح آگاهی حقوقی جامعه در راستای پیشگیری از خشونت علیه زنان و خانواده؛

د) تمهید ساز و کارهای مناسب در راستای حمایت مالی از زنان قربانی خشونت طبق این قانون و سایر قوانین و مقررات مرتبط؛

ه) حمایت از خانواده و همسران زندانیان برای پیشگیری از بزه دیدگی آنان؛

و) حمایت مالی و جبران خسارت زنان بزه دیده موضوع این قانون از طریق صندوق حمایت از بزه دیدگان.

ماده 10- پزشکی قانونی مکلف است خدمات لازم به افراد مشمول این قانون را با معرفی مراکز قضایی و مرکز اورژانس اجتماعی با قید فوریت انجام دهد.

ماده 11 - وزارت کشور مکلف است در راستای تحقق اهداف این قانون اقدامات زیر را انجام دهد:

الف) شناسایی اشکال مختلف قاچاق زنان و دختران به طور منظم و تدوین دستور العمل پیشگیری از رواج این جرم

ب) کنترل مرزهای کشور به ویژه مرزهایی زمینی و دریایی و راه های فرعی و پیش بینی تمهیدات لازم با همکاری نیروی انتظامی

ج) ارائه گزارش های ادواری از قاچاق زنان و آسیب های اجتماعی به کمیسیون سیاسی و دفاعی دولت و مجلس

د) تهیه گزارش عملکرد دستگاه های استانی با همکاری کارگروه زن و خانواده شورای برنامه ریزی و توسعه استان. **ماده 12 - وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است اقدامات زیر را در راستای تحقق اهداف این قانون انجام دهد:**

الف) ایجاد واحدها و مراکز تخصصی بهداشتی، درمانی، مشاوره و روانپزشکی؛

ب) تربیت نیروهای متخصص و تهیه برنامه های آموزشی جهت تقویت دانش و مهارت ارائه دهندگان خدمات بهداشتی و درمانی؛

ج) اتخاذ تدابیری جهت مکلف نمودن مراکز درمانی به پذیرش و درمان زنان قربانی خشونت با فوریت؛

د) شناسایی و ارجاع افراد مشمول این قانون به مراکز اورژانس اجتماعی و مراکز حمایتی؛

ه) تهیه دستورالعمل های رفتاری برای پزشکان، کارکنان مراکز درمانی و ارائه دهندگان خدمات بهداشتی و درمانی؛

و) ارائه اطلاعات لازم در خصوص مراکز انتظامی، حمایتی، قضایی و نحوه پیگیری و شکایت در مراجع قضایی؛

ز) ایجاد سامانه ثبت کلیه آثار جسمی و روانی ناشی از خشونت جهت ارائه به مراکز قضایی در موارد لزوم؛

ح) طراحی و اجرای نظام مدیریت اطلاعات موارد خشونت علیه زنان با همکاری تمامی بخشهای ذیربط دولتی و غیردولتی.

ماده -13 وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مکلف است، در راستای تحقق اهداف این قانون اقدامات زیر را انجام دهد:

(الف) پیش بینی تمهیدات لازم جهت راه اندازی اورژانس اجتماعی در کلیه شهرهای بالای 50 هزار نفر تا پایان سال 92

(ب) نظارت بر اماکن کار جهت پیشگیری و مقابله با خشونت علیه زنان؛

(ج) طبقه بندی مشاغل و تعیین شاخص های ایمنی به منظور پیشگیری از وقوع خشونت ساختاری یا کاهش آثار سوء کار در شرایط سخت و زیان آور؛

(د) تهیه دستورالعمل های لازم و منشورهای اخلاقی؛

(ح) ایجاد و گسترش تشکل های صنفی برای زنان کارگر.

تبصره - وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مکلف است دستورالعمل های مورد نیاز این ماده را ظرف مدت دو ماه از تاریخ تصویب این قانون تهیه و به تصویب کمیته ملی برساند.

ماده -14 وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مکلف است در جهت تحقق اهداف این قانون اقدامات زیر را انجام دهد:

(الف) تمهید برنامه ها و دوره های آموزشی در مقاطع مختلف آموزش عالی و رشته های مرتبط در مقاطع تحصیلات تکمیلی و آموزش و تربیت نیروهای متخصص؛

(ب) اتخاذ تدابیر لازم جهت پیشگیری از وقوع خشونت علیه زنان در محیط های آموزشی و مراکز خوابگاهی و تهیه دستورالعمل برای کلیه مراکز آموزش عالی و خوابگاهی؛

(ج) تهیه منشور اخلاقی، آموزش اخلاق حرفه ای و اتخاذ تدابیر انضباطی برای اساتید و کارکنان واحدهای آموزش عالی.

ماده -15 وزارت آموزش و پرورش مکلف است، در راستای تحقق اهداف این قانون اقدامات زیر را انجام دهد:

(الف) تدوین برنامه های آموزشی و اختصاص واحد های درسی مهارت کنترل خشم در مقاطع مختلف تحصیلی برای جلوگیری از خشونت و فرهنگ سازی در مورد پیشگیری از خشونت در خانواده؛

(ب) تعریف واحد آموزشی فنون دفاع شخصی و مهارت های زندگی خانوادگی و اجتماعی در مقاطع راهنمایی و دبیرستان.

ماده -16 سازمان صدا و سیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف اند اقدامات زیر را در جهت تحقق اهداف این قانون انجام دهند:

(الف) تهیه و تنظیم برنامه های دیداری و شنیداری و انتشار آن ها؛

(ب) فراهم نمودن زمینه برای سایر دستگاه های اجرایی و نهادهای غیردولتی فعال در امور زنان جهت تهیه و انتشار برنامه ها و مطالب مربوط به اهداف این قانون؛

(ج) جلوگیری از انتشار و پخش برنامه ها و مطالب ترویج کننده خشونت از طریق رسانه های همگانی.

ماده -17 نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در راستای تحقق اهداف این قانون اقدامات زیر را انجام می دهد:

(الف) ایجاد مراکز تخصصی انتظامی و بکارگیری پلیس زن؛

(ب) تربیت نیروهای متخصص و تهیه برنامه های آموزشی و تقویت دانش و مهارت در زمینه ثبت اطلاعات و مداخله در موارد خشونت علیه زنان؛

(ج) تهیه دستورالعمل های رفتاری برای نیروها و مراجع انتظامی؛

(د) انجام اقدامات حمایتی اولیه و معرفی به مراکز حقوقی، حمایتی و بهداشتی و درمانی حسب مورد و جلوگیری از بزه دیدگی مجدد؛

ه) برنامه‌ریزی جهت مداخله فوری و مؤثر جهت پیشگیری از خشونت یا استمرار آن؛

و) تشخیص مناطق، محلات و اماکن عمومی آسیب‌زا و پرخطر و اتخاذ تدابیر لازم برای پیشگیری از خشونت علیه زنان؛

ماده - 18 سازمان بهزیستی کل کشور مکلف است اقدامات زیر را در راستای تحقق اهداف این قانون انجام دهد:

الف) پذیرش، ساماندهی، تشخیص آسیب، نگهداری و توانمندسازی زنان قربانی خشونت؛

ب) ایجاد و گسترش کلینیک‌ها و مؤسسات مددکاری اجتماعی و مشاوره و خانه‌های امن و مراکز اورژانس اجتماعی در مناطق استانی و شهرستانی و حوزه بندی مناطق تحت نظر؛

ج) پیگیری، پایش و ارزیابی اقدامات راجع به زنان قربانی خشونت در مراجع انتظامی و قضایی؛

د) ارائه گزارش موردی و ادواری از وضعیت زنان قربانی خشونت؛

ه) فراهم آوردن امکانات لازم از قبیل سامانه‌های مخابراتی و رایانه‌ای به منظور اخذ گزارش‌ها، شکایات و جمع‌آوری اطلاعات مربوط به زنان قربانی یا در معرض خشونت و اقدام لازم جهت معرفی این سامانه‌ها از طریق صدا و سیما و سایر رسانه‌ها و نهادهای مرتبط؛

و) تهیه دستورالعمل‌های رفتاری برای ارائه‌کنندگان خدمات حمایتی؛

ز) بازرسی و نظارت مستمر بر عملکرد کلینیک‌ها و مؤسسات مددکاری اجتماعی، خانه‌های امن و مراکز اورژانس اجتماعی و ارائه‌کنندگان خدمات حمایتی؛

ح) همکاری با سازمان‌های غیردولتی فعال در امور زنان.

تبصره 1 - سازمان بهزیستی مکلف است دستورالعمل‌های موضوع بند های (الف)، (ب) و (و) را ظرف مدت سه ماه از تصویب این قانون تهیه و جهت تصویب به کمیته ملی ارائه نماید.

تبصره 2 - اعتبار مورد نیاز برای تاسیس و تقویت مراکز موضوع بندهای (ب) و (ه) این ماده در قانون بودجه سالانه و در ردیف اعتباری خاص سازمان بهزیستی پیش بینی می‌گردد.

تبصره 3 - معاونت توسعه مدیریت و منابع انسانی ریاست جمهوری مکلف است تمهیدات لازم برای ساختار سازمانی و تامین نیروی انسانی و محسوب نمودن پست مددکار اجتماعی، مربی روانشناس در خانه‌های امن و مراکز اورژانس اجتماعی به عنوان مشاغل سخت و زیان آور اقدام کند.

ماده - 19 شهرداری‌ها مکلف‌اند در راستای اهداف این قانون اقدامات زیر را انجام دهند:

الف) تخصیص و تجهیز فضای فیزیکی و امکانات مناسب جهت ایجاد و گسترش مراکز اورژانس اجتماعی، خانه‌های امن و کلینیک‌ها و مؤسسات مددکاری؛

ب) تأمین امکانات مورد نیاز جهت شناسایی، جذب، حمایت و توانمندسازی زنان قربانی یا در معرض خشونت؛

ج) ارتقای آگاهی شهروندان در جهت پیشگیری و مقابله با خشونت و آموزش مهارت‌های زندگی و اطلاع رسانی از برنامه اورژانس اجتماعی در اماکن و معابر عمومی.

ماده - 20 قانون‌های وکلای دادگستری مکلف‌اند در راستای تحقق اهداف این قانون اقدامات زیر را انجام دهند:

الف) تهیه فهرستی از وکلای داوطلب ارائه خدمات حقوقی معاضدتی به زنان قربانی خشونت؛

ب) معرفی وکیل معاضدتی در موارد اعلام نیاز از سوی مؤسسات و کلینیک‌های مددکاری و مراکز اورژانس اجتماعی و تخصیص اولویت در این زمینه؛

ج) نظارت بر عملکرد وکلای داوطلب و معاضدتی و تهیه گزارش سالانه آن جهت ارائه به کمیته ملی.

تبصره- در انتخاب وکلای داوطلب و معاضدتی، اولویت با وکلای زن می‌باشد.

مبحث سوم: مؤسسات و کلینیک‌های مددکاری و مشاوره

ماده - 21 سازمان بهزیستی کل کشور جهت ارتقاء خدمات پیشگیرانه و حمایتی نسبت به زنان قربانی یا در معرض خشونت مکلف است، با حوزه‌بندی مناطق تحت‌نظر خود، نسبت به ایجاد و گسترش کلینیک‌های عمومی و تخصصی مددکاری اجتماعی و مشاوره در مناطق شهری، روستایی و یا تحت نظر مراکز دانشگاهی اقدام کند.

تبصره - دستور العمل نحوه فعالیت، شرح وظایف، تعیین و احراز صلاحیت و نحوه نظارت بر عملکرد مؤسسات و کلینیک‌های مددکاری و مشاوره موضوع این ماده ظرف مدت سه ماه از زمان تصویب این قانون توسط سازمان بهزیستی با همکاری مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری و انجمن ... تهیه و به تصویب کمیته ملی خواهد رسید.

مبحث چهارم: خانه‌های امن

ماده - 22 سازمان بهزیستی کشور مکلف است جهت توانمندسازی و بازپذیری اجتماعی زنان بزهکار یا دارای حالت خطرناک نسبت به تأسیس خانه‌های امن و مراکز اورژانس اجتماعی با شرح وظایف ذیل در مراکز استان و شهرستان‌ها اقدام نماید:

الف) پذیرش و نگهداری زنان موضوع این ماده با معرفی دادستان، مرجع قضایی رسیدگی کننده و مراکز مراقبت پس از خروج و ارائه گزارش به مرجع ذیربط؛

ب) ارائه خدمات مشاوره، مددکاری، بهداشتی و پزشکی؛

ج) ارائه آموزش و تقویت مهارت‌های زندگی با همکاری‌های دستگاه‌های اجرایی و نهادهای غیر دولتی؛

د) نظارت بر اجرای دستورهای دادگاه در موارد تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و مجازات‌های اجتماعی.

ه) تشکیل پرونده شخصیت و نگهداری مشخصات و اطلاعات به صورت محرمانه؛

تبصره- چگونگی تأسیس، نحوه مدیریت، شرایط کارکنان، خدمت افراد داوطلب، پذیرش، حمایت و توانمندسازی، به موجب آئین نامه‌ای است که توسط سازمان بهزیستی کل کشور ظرف مدت دو ماه تهیه و به تصویب کمیته ملی خواهد رسید.

فصل سوم: جرایم و مجازات‌ها

ماده - 23 هرکس مرتکب خشونت جسمی یا روانی علیه زنی شود که منتهی به نتایج زیر شود، حسب مورد به شرح زیر مجازات می‌شود:

الف) فوت، چنانچه منجر به قصاص نشود، علاوه بر دیه به حبس تعزیری درجه چهار؛

ب) فقدان یکی از حواس یا منافع، قطع، نقص یا از کارافتادگی عضو، زوال عقل یا بروز بیماری جسمی یا روانی صعب‌العلاج یا دائمی و یا ایراد جراحات از نوع جائفه یا بالاتر، علاوه بر قصاص یا دیه حسب مورد، به حبس تعزیری درجه پنج؛

ج) نقصان یکی از حواس یا منافع، شکستگی استخوان یا دیگر اعضاء و یا بروز آسیب روانی، علاوه بر قصاص یا دیه حسب مورد، به حبس تعزیری درجه شش؛

د) جراحات سر و صورت و یا گردن، در صورت عدم شمول هر یک از بندهای ب و ج، علاوه بر قصاص یا دیه حسب مورد، به حبس تعزیری درجه هفت؛

ه) سایر صدمات، علاوه بر قصاص و دیه، حسب مورد به جزای نقدی درجه شش.

تبصره: هرگاه جرایم موضوع این ماده با استفاده از سلاح گرم یا سرد، مهمات، اسید، سم یا اقلام و مواد تحت کنترل موضوع ماده 3 قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب 1390/6/7 صورت گیرد، مرتکب حسب مورد به حداکثر مجازات محکوم می‌شود.

ماده -24 هرکس مرتکب تجاوز یا تعرض جنسی علیه زنی شود و مشمول مجازات حد نشود، در موارد تجاوز به حبس تعزیری درجه چهار و در موارد تعرض به حبس تعزیری درجه پنج محکوم می‌شود.

ماده -25 هر گونه آزار جنسی یا مزاحمت جنسیتی، که مشمول عناوین مجرمانه قانونی نشود، جرم محسوب و مرتکب در موارد آزار جنسی به جزای نقدی درجه هفت و در موارد مزاحمت جنسیتی به جزای نقدی درجه هشت محکوم می‌شود.

تبصره: چنانچه آزار جنسی یا مزاحمت جنسیتی به صورت مکرر یا مستمر اعمال شود، مرتکب به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد.

ماده -26 هر کس زنی را به فحشا ترغیب یا تشویق نماید به گونه‌ای که منجر به فحشاء شود و یا موجبات آن را فراهم آورد، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌گردد.

ماده -27 بهره کشی جنسی از زنان جرم محسوب و مرتکب به حبس تعزیری درجه چهار و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر وجوه یا اموال حاصل از بزه و ضبط یا مصادره کلیه اموال و وجوه حاصل از این جرم محکوم می‌شود.

ماده -28 در صورتی که تجاوز یا تعرض جنسی مقرون به حداقل یکی از شروط زیر باشد، مرتکب حسب مورد به حداکثر مجازات مذکور در ماده قبل محکوم می‌شود:

(الف) هرگاه مرتکبین دو نفر یا بیشتر باشند؛

(ب) هرگاه مرتکب دارای رابطه خانوادگی با بزه‌دیده باشد؛

(ج) هرگاه بزه‌دیده از زنان آسیب‌پذیر باشد؛

(د) هرگاه عمل ارتكابی منجر به خودآزاری یا آسیب جسمی یا روانی شدید بزه‌دیده شود.

(ه) هرگاه تعداد بزه‌دیدگان دو نفر یا بیشتر باشد.

ماده -29 هرگاه زوج با علم به وجود بیماری مقاربتی خود یا با علم به اینکه واقعه منجر به بیماری زوجه یا تشدید آن یا فوت می‌گردد، به صورت اجباری اقدام به رابطه جنسی با زوجه نماید، در صورتی که منجر به قصاص نشود و در سایر قوانین مجازات شدیدتری پیش‌بینی نشده باشد، حسب مورد و با توجه به نتیجه رفتار ارتكابی به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود.

ماده -30 - هرگاه زوج با وجود شرایط و امکانات لازم، از حسن معاشرت و تأدیه حقوق شرعی و قانونی زوجه خودداری کند و حاضر به طلاق او نیز نشود، ناشز بوده و علاوه بر اجبار به طلاق از سوی دادگاه، به جزای نقدی درجه هشت محکوم می‌گردد.

ماده -31 هرکس با اکراه، اجبار، تشویق، تحریک، فریب یا آموزش موجبات خودآزاری زنی را فراهم آورد و مشمول مقررات قصاص نشود، حسب مورد به ترتیب زیر مجازات می‌شود:

(الف) هرگاه اقدامات مرتکب منجر به فوت زن شود، به حبس تعزیری درجه پنج؛

(ب) هرگاه اقدامات مرتکب منجر به ورود آسیب جسمی یا روانی به زن شود، با توجه به میزان آسیب، به حبس تعزیری درجه شش؛

(ج) هرگاه اقدامات مرتکب مؤثر واقع نشود، به جزای نقدی درجه هشت.

ماده -32 - هر کس با تهدید، اغفال، اغواء یا فریب زنان، موجب فرار آنان از خانه و ترک زندگی شود و یا آن را تسهیل کند به حبس تعزیری درجه هفت یا پرداخت جزای نقدی درجه شش محکوم می‌شود.

ماده -33 - بکارگیری یا استفاده از زنان آسیب‌پذیر در ارتكاب جرم یا تسهیل، فراهم کردن موجبات ارتكاب، آموزش دادن شیوه ارتكاب جرم، تحریک، ترغیب، تشویق یا فریب آنان به ارتكاب رفتار مجرمانه که منجر به وقوع جرم شود، جرم محسوب و مرتکب به شرح زیر مجازات می‌شود:

الف) هرگاه رفتار مجرمانه موجب قصاص نفس، حبس ابد یا سلب حیات باشد، به حبس تعزیری درجه چهار؛

ب) هرگاه رفتار مجرمانه موجب کیفر حد غیر سالب حیات یا قصاص عضو و جرح و یا حبس بیش از ده سال باشد، به حبس تعزیری درجه پنج؛

ج) هرگاه رفتار مجرمانه موجب کیفر تعزیری یا بازدارنده باشد، به حبس تعزیری درجه شش.

تبصره- در صورتی که اعمال موضوع این ماده منجر به وقوع جرم نشود، مرتکب اقدامات مندرج در این ماده به حداقل مجازات همان جرم محکوم و چنانچه جرم مورد نظر فاقد حداقل مجازات باشد، به یک سوم مجازات همان جرم محکوم می‌شود.

ماده -34 هرکس مرتکب جرمی علیه زنی شود که در وضعیت آسیب‌پذیری قرار دارد و در سایر قوانین برای آن مجازات خاصی پیش‌بینی شده است، به حداکثر مجازات مقرر در آن قانون محکوم می‌شود.

ماده -35 هرگونه خشونت اقتصادی نسبت به زنان جرم محسوب و مرتکب ضمن الزام به رفع موانع یا محدودیت‌ها و اعاده اموال به جزای نقدی درجه هفت و در صورت تکرار به حبس تعزیری درجه هفت محکوم می‌گردد.

ماده -36 هر کس که به سبب شغل یا وظیفه به پرونده و اطلاعات زنان بزه‌دیده جرایم موضوع این قانون یا جرایم منافی عفت موضوع قانون مجازات اسلامی دسترسی دارد، جز در موارد قانونی، در صورت افشای مشخصات، نشانی یا شماره تماس و هر نوع اطلاعات مجرمانه دیگر آنان به جزای نقدی درجه هفت محکوم می‌شود.

ماده -37 هر کس از ارتکاب جرایم موضوع این قانون علیه زنی در اماکن عمومی یا در وضعیت آسیب‌پذیری مطلع شود و با علم به اینکه وی امکان دسترسی و مراجعه به مراجع صالح را ندارد و با وجود آنکه خطری متوجه خود او یا دیگران نمی‌شود، مراتب را به مراجع صالح اعلام نکند، به پرداخت جزای نقدی درجه هفت محکوم می‌شود.

تبصره - 1 هرگاه مرتکب جرم موضوع این ماده فردی باشد که حسب وظیفه مطابق قوانین و مقررات مکلف به گزارش یا کمک باشد و یا به اقتضای حرفه خود می‌تواند کمک مؤثری کند، به حداکثر مجازات مقرر در این ماده و حسب مورد به انفصال موقت از خدمات دولتی یا محرومیت از خدمات عمومی از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود.

تبصره - 2 انجام تکلیف مقرر در این ماده با رعایت ضوابط مندرج در آن به هیچ وجه نمی‌تواند موجب تعقیب کیفری افراد یا مسئولیت مدنی آنها باشد.

تبصره - 3 افشای هویت کسی که طبق این ماده موضوع را گزارش یا اعلام می‌نماید، جز با رضایت خود او یا به موجب قانون ممنوع است و مرتکب به مجازات مذکور در ماده 17 محکوم می‌شود.

ماده -38 هر کس ناظر یا مطلع از وقوع خشونت علیه زنی بوده و شهادت یا اظهارات او مؤثر در اظهار نظر نهایی مرجع قضایی باشد، در صورتی که با وجود دعوت، عمداً از حضور در مرجع قضایی یا ادای شهادت امتناع نماید، به جزای نقدی درجه هفت محکوم خواهد شد.

تبصره - 1 جز در مواردی از خشونت علیه زنان که میزان مجازات قانونی آن تعزیر درجه شش و بالاتر باشد، بستگان طبقه اول و درجه اول از طبقه دوم از شمول این ماده مستثنی هستند.

تبصره - 2 چنانچه مرتکب عنوان معاونت در ارتکاب جرم اصلی را داشته باشد، حسب مورد فقط به مجازات معاونت در جرم اصلی محکوم می‌شود.

تبصره - 3 هرگاه در صورت ادای شهادت، برای فرد یا نزدیکان وی بیم خطر جانی یا حیثیتی وجود داشته باشد، شاهد یا مطلع از شمول این ماده معاف است، مگر اینکه با اتخاذ تدابیر حمایتی مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین و مقررات مربوط امنیت آنان تأمین شده باشد.

ماده -39 هرگاه کارکنان و مقامات دستگاه‌های اجرایی، نیروهای مسلح، نهادهای زیر نظر مستقیم مقام رهبری، نهادهای عمومی غیردولتی، شوراها، سازمان‌ها، شرکت‌ها، کمیسیون‌ها، هیأت‌ها، شوراها و وابسته به آنها و واحدهای قضایی و شبه قضایی با سوء استفاده از قدرت، موقعیت شغلی یا وضعیت آسیب‌پذیری زن، به هر نحو در ارتکاب جرائم عمدی موضوع این قانون دخالت داشته باشند، با توجه به نقش مرتکب علاوه بر مجازات اصلی، به انفصال موقت از خدمات دولتی یا محرومیت از خدمات عمومی به مدت دو تا پنج سال محکوم خواهند شد.

تبصره- کارکنان نهادهای موضوع این ماده که در امور مربوط به زنان فعالیت می‌کنند، به حداکثر مجازات محکوم می‌شوند.

ماده -40 هرگاه مؤسسات، شرکت‌ها یا مجامع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی یا صنفی که مستقل از دولت اداره می‌شوند، در زمینه جرایم عمدی موضوع این قانون فعالیت یا دخالت داشته باشند، حسب مورد پروانه فعالیت آن‌ها از یک تا پنج سال متوقف و یا مجوز آنها به طور دائم ابطال می‌شود. همچنین علاوه بر مباشر جرم، هر یک از مدیران یا مسئولان اشخاص حقوقی مزبور که دستوردهنده باشد به مجازات‌های مقرر در این قانون محکوم می‌شود.

تبصره 1- چنانچه ارتکاب جرم منتسب به شعبه‌ای از مراکز و اشخاص حقوقی موضوع این ماده باشد، مجازات توقف یا ابطال پروانه یا مجوز موضوع این ماده، نسبت به شعبه مزبور اعمال خواهد شد.

تبصره 2- در خصوص کلینیک‌ها و مؤسسات مددکاری اجتماعی یا سایر مراکز و اشخاص حقوقی موضوع این ماده که در امور زنان فعالیت می‌کنند و کارکنان آنها، حداکثر مجازات اعمال می‌شود.

ماده -41 اطباء، مشاوران، وکلا، کارشناسان و مترجمان رسمی و افرادی که با مجوز دولتی در امور عمومی فعالیت دارند، چنانچه با سوء استفاده از موقعیت خود یا وضعیت آسیب‌پذیری زنان مرتکب جرایم موضوع این قانون شوند، علاوه بر مجازات‌های مقرر حسب مورد به ابطال پروانه یا ممنوعیت فعالیت از یک تا پنج سال محکوم می‌شوند.

ماده -42 چنانچه مرتکب جرایم موضوع این قانون دارای رابطه خانوادگی با زن باشد، یا بزه‌دیده کم‌توان ذهنی یا جسمی باشد، به حداکثر مجازات قانونی محکوم می‌شود.

ماده -43 در مواردی که جرایم موضوع این قانون به صورت سازمان یافته، توسط باند یا شبکه‌ای متشکل از سه نفر یا بیشتر که با هدف ارتکاب جرم تشکیل شده و فعالیت می‌نماید، ارتکاب یابد، مرتکبین به حداکثر مجازات مقرر قانونی محکوم خواهند شد.

ماده -44 در تمامی مواردی که در این قانون جزای نقدی تعیین شده است، در مورد شرکای جرم، سهم هر یک از آنان از جزای نقدی تعیین و به نحو تضامنی به پرداخت آن محکوم خواهند شد.

ماده -45 اعمال مجازات‌های موضوع این قانون، مانع از اجرای مجازات‌های حدود، قصاص و دیات نخواهد بود.

ماده -46 مرتکبان جرایم موضوع مواد 10، 11 و 14 این قانون مشمول مقررات تخفیف، تعلیق تعقیب، تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات نخواهند شد.

ماده -47 تعقیب جرایم موضوع این قانون، جز موارد مندرج در مواد 9، 13، 16 و 18 منوط به شکایت شاکی خصوصی نیست و در صورت گذشت شاکی خصوصی تعقیب موقوف نخواهد شد و مرجع قضایی رسیدگی را ادامه خواهد داد. با این وجود مرجع قضایی در چارچوب مقررات این قانون، حسب مورد می‌تواند، مقررات تخفیف، تعلیق تعقیب یا اجرای حکم، تعویق صدور حکم و مجازات‌های جایگزین را در مورد متهم اعمال کند.

ماده -48 مرتکبین جرایم مندرج در این قانون به علاوه مجازات پیش بینی شده حسب شرایط به جبران خسارت وارده نیز محکوم می‌گردد.

فصل چهارم: آیین دادرسی

ماده -49 علاوه بر جهات قانونی مذکور در قانون آیین دادرسی کیفری، موارد زیر نیز از جهات قانونی شروع به تعقیب در این قانون می‌باشند:

الف) اعلام شکایت مؤسسات مددکاری در مواردی که بزه‌دیده امکان شکایت نداشته باشد؛

ب) گزارش کلینیک‌های مددکاری مبنی بر وقوع خشونت علیه زنان؛

ج) گزارش‌ها و درخواست‌های مکتوب یا شفاهی که هویت گزارش‌دهندگان و نویسندگان آنها مشخص نیست، در صورتی که دارای قراین معقول و متعارف باشند.

تبصره- اعلام شکایت و گزارش از طریق سامانه‌های مخابراتی و رایانه‌ای نیز ممکن خواهد بود.

ماده -50 مراکز درمانی و پزشکی مکلفند در صورت مواجهه با موارد خشونت علیه زنان موضوع این قانون، فوراً مراتب را به مراجع

انتظامی اعلام نمایند.

ماده - 51 مؤسسات مددکاری و کلینیک‌های مددکاری در صورت مواجهه با موارد خشونت علیه زنان موضوع این قانون و در صورت اعلام رضایت قربانی، مکلف به گزارش موضوع به مراجع انتظامی یا قضایی هستند. مؤسسات مددکاری در مواردی که زن قربانی خشونت امکان اعلام یا پیگیری شکایت ندارد، می‌توانند به نمایندگی از او شکایت کنند.

ماده - 52 زن قربانی خشونت، می‌تواند ضمن شکایت، اتخاذ تدابیر حمایتی و پیشگیرانه را از مراجع قضایی نیز درخواست نماید.

ماده - 53 مراجع قضایی یا انتظامی به صرف اعلام شکایت و یا وصول گزارش در خصوص وقوع خشونت علیه زنان، مکلف به تعقیب و تحقیق در خصوص موضوع هستند.

ماده - 54 در مواردی که بزه‌دیده شخصاً به مراجع انتظامی اعلام شکایت می‌کند، صرف اعلام شکایت برای شروع به رسیدگی کافی است و نباید بزه‌دیده را به بیان مسایل خارج از موضوع یا تشریح جزئیات غیرضروری مجبور کرد.

ماده - 55 - مأموران رسیدگی‌کننده که حتی الامکان، از میان زنان آموزش دیده در امر مقابله با خشونت علیه زنان، انتخاب خواهند شد، باید در کمال احترام و آرامش اظهارات بزه‌دیدگان را استماع نموده و آنان را از حقوق خود، آگاه و خدمات حمایتی قابل ارائه به آنها را تشریح نمایند.

ماده - 56 - مأموران رسیدگی‌کننده، در گزارش‌های خود باید وضعیت جسمانی و شرایط بزه‌دیده را تشریح نموده و در صورت درخواست جهت معرفی به مراکز حمایتی، پزشکی و درمانی، فوراً نسبت به اجرای درخواست وی اقدام نمایند.

ماده - 57 - در تمامی پرونده‌های خشونت علیه زنان، اطلاعات مربوط به نام و نام خانوادگی بزه‌دیده، نشانی، شماره تلفن و هر نوع اطلاعات دیگری محرمانه بوده و مقامات و مأموران پلیس، اجازه افشای آن را جز در موارد قانونی نخواهند داشت.

ماده - 58 - در مواردی که به نظر مأمور رسیدگی‌کننده، احتمال تکرار خشونت وجود داشته باشد، مراتب جهت اعمال مقررات مواد 44 و 45 به دادستان یا مقام قضایی صالح اعلام می‌شود.

ماده - 59 - در جرایم قابل گذشت موضوع این قانون و جرایم موجب حبس تعزیری و جزای نقدی درجه 6، 7 و 8، مقام قضایی می‌تواند با توافق طرفین و با اخذ تأمین مناسب، مهلتی که بیش از دو ماه نباشد به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکه یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. و یا برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را جهت میانجیگری به کلینیک‌ها یا مؤسسات مددکاری یا اشخاص حقیقی و حقوقی ذیصلاح ارجاع کند. مدت میانجی‌گری از سه ماه بیشتر نخواهد بود. مهلت‌های مذکور در این ماده در صورت اقتضاء فقط برای یک بار قابل تمدید است.

تبصره- میانجیگری و یا اقدامات سازشی به قصد حصول گذشت و رضایت، مانع از اقدامات تعقیبی دادستان نخواهند شد.

ماده - 60 - در جرایم موضوع این قانون، که مجازات قانونی آنها حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه 6، 7 و 8 است، مرجع قضایی می‌تواند با رعایت مواعد و مقررات قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی در خصوص تعلیق تعقیب، تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای حکم و یا اعمال مجازات‌های جایگزین، با رعایت شرایط زیر اقدام کند:

1- متهم برای اولین بار مرتکب خشونت علیه زنان شده باشد؛

2- جرم ناشی از رابطه خانوادگی باشد؛

3- متهم متعهد گردد تا نسبت به معرفی خود به مؤسسات مددکاری اجتماعی جهت شرکت در دوره‌های آموزشی، درمانی و یا مشاوره اقدام نماید.

تبصره- در صورتی که متهم در مدت تعلیق یا تعویق، به اتهام ارتکاب یکی از جرایم موضوع این قانون مورد تعقیب قرار گیرد و تعقیب وی منتهی به صدور کیفرخواست گردد و یا دستورات مقام قضایی را اجراء نکند، قرار تعلیق لغو و با رعایت مقررات مربوط به تعدد، تعقیب به عمل می‌آید و مدتی که تعقیب معلق بوده است، جزء مدت مرور زمان محسوب نمی‌شود. چنانچه متهم از اتهام دوم تبرئه گردد، دادگاه می‌تواند قرار تعلیق یا تعویق را ابقاء خواهد کرد. مرجع صادرکننده قرار مکلف است به مفاد این تبصره در قرار صادر شده تصریح کند.

ماده - 61 - در جرایم قابل گذشت این قانون یا جرایم ناشی از روابط خانوادگی و یا واقع شده در محیط خانواده که مجازات قانونی آن

حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه 6، 7 و 8 است، شاکي مي تواند تا قبل از صدور کیفرخواست، درخواست ترك تعقیب کند. در این صورت، دادستان قرار ترك تعقیب صادر مي کند. شاکي مي تواند تعقیب مجدد متهم را فقط برای یکبار تا یکسال از تاریخ صدور قرار ترك تعقیب درخواست کند.

ماده -62 در جرایم موضوع این قانون، در صورتی که مجازات قانونی جرم، حبس تعزیری درجه 6، 7 و 8 و یا جزای نقدی درجه 7 و 8 باشد، در صورت ارتکاب جرم در روابط خانوادگی، چنانچه شاکي وجود نداشته یا گذشت کرده باشد، در صورت فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری، مقام قضایی مي تواند پس از تفهیم اتهام با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم شده است و در صورت ضرورت با اخذ التزام کتبی از متهم برای رعایت مقررات قانونی، فقط يك بار از تعقیب متهم خودداری و قرار بایگانی کردن پرونده را صادر کند. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه کیفری مربوط خواهد بود.

ماده -63 دادستان، در جهت تکمیل تحقیقات مقدماتی و اعلام عقیده در خصوص منع تعقیب مرتکب یا جلب وی به دادرسی، پرونده را به شعبه بازپرسی ارجاع خواهد داد.

ماده -64 هرگاه فردی زنی را به ارتکاب خشونت تهدید نماید و بیم آن رود که واقعاً مرتکب خشونت شود یا فردی که به جهت ارتکاب خشونت علیه زنان محکوم شده است، صریحاً نظرش را بر تکرار خشونت ابراز کند، مرجع قضایی بنا بر درخواست شخص تهدید شده، از او مي خواهد تعهد کند مرتکب جرم نگردیده و وجه الضمان متناسب را برای حداکثر به مدت دو سال بسپارد. در صورت خودداری مرتکب از سپردن وجه الضمان و یا عدم تعهد، مرجع قضایی رسیدگی کننده دستور بازداشت متهم را برای حداکثر دو ماه صادر خواهد کرد. در صورت سپردن وجه الضمان، چنانچه مرتکب ظرف دو سال مرتکب جرم منظور شود، وجه الضمان به نفع دولت ضبط می شود. در غیر این صورت، به او یا قائم مقام قانونی وی مسترد خواهد شد.

ماده -65 در صورتی که بنا بر قرائن معقول و متعارف، احتمال تکرار خشونت در روابط خانوادگی وجود داشته باشد، حسب مورد، مرجع قضایی بنا به درخواست بزه دیده خشونت یا نماینده قانونی وی، یکی از تصمیمات ذیل را اتخاذ خواهد نمود:

1- اخذ تعهد به شرح مندرج در ماده 44؛

2- مفارقت موقت زوجین از یکدیگر برای مدت معین؛

3- منع متهم از ورود به اقامتگاه یا محل کار زوجه؛

4- خروج زوج از اقامتگاه مشترک با تعیین مدت و التزام زوج به عدم انتقال یا فروش اقامتگاه مشترک؛

5- الزام زوج به تهیه مسکن جداگانه متناسب با شئون زوجه؛

6- الزام متهم به مراجعه جهت روان درمانی یا مشاوره یا سایر معالجات ضروری و ارائه گواهی آن؛

6- سکونت مستقل زوجه؛

7- معرفی به خانه های امن برای مدت معین.

تبصره 1- در صورت عدم اجرای دستور بازپرس مبنی بر خروج از اقامتگاه مشترک، متهم برای مدتی که بیش از دو ماه نباشد، بازداشت خواهد شد.

تبصره 2- در صورت انتقال اقامتگاه مشترک از سوی متهم، شاکي مي تواند جهت ابطال آن، در دادگاه صالح اقامه دعوی نماید.

تبصره 3- در موارد فوق، عدم انجام وظایف مربوط به زوجیت از سوی زوجه مسقط حق نفقه وی نخواهد بود.

ماده -66 در صورتی که در روابط زناشویی، احتمال ورود آسیب جسمی یا روانی برای زوجه وجود داشته باشد و این امر بر اساس قرائن معقول، معلوم گردد، بر اساس تصمیم مرجع قضایی، زن مي تواند تا رفع چنین احتمالی از ایفای وظایف مربوط به تمکین خودداری نماید و این امر مسقط حق نفقه زن نخواهد بود.

ماده -67 اموال و اشیاء اختصاص یافته و استفاده شده برای ارتکاب جرایم موضوع مواد 6، 14، 15، این قانون و نیز عواید حاصل از ارتکاب آنها، توسط بازپرس، تا تعیین تکلیف نهایی سرنوشت متهم یا متهمان ضبط خواهند.

ماده -68 در هر حوزه قضایی، شعبه یا شعبی از دادگاه های کیفری برای رسیدگی تخصصی به موضوعات خشونت علیه زنان اختصاص

می‌یابند. همچنین، در هر دادسرا، به تناسب تعداد پرونده، شعبه یا شعب بازپرسی، به صورت تخصصی، عهده‌دار رسیدگی به پرونده‌های خشونت علیه زنان خواهند شد.

ماده - 69 دادگاه‌های ویژه رسیدگی به پرونده‌های خشونت علیه زنان با حضور رئیس دادگاه یا دادرس و نیز قاضی مشاور زن تشکیل می‌گردد.

ماده - 70 جلسات رسیدگی به پرونده‌های موضوع این قانون، غیر علنی است و حضور افرادی غیر از طرفین پرونده و وکلای آنان و نیز افرادی که دادگاه حضور آنها را ضروری بداند، ممنوع است.

تبصره - انتشار صورت محاکمات و دادرسی‌های مربوط به جرایم موضوع این قانون ممنوع است.

ماده - 71 مرجع قضایی در مقام رسیدگی به پرونده‌های خشونت علیه زنان، می‌تواند از کودکان و نوجوانان 9 تا 18 سال حاضر در محل وقوع جرم به عنوان مطلع تحقیق کند. در صورت ضرورت، دادگاه آنان را به جلسات رسیدگی دعوت می‌کند.

ماده - 72 در پرونده‌های خشونت علیه زنان در روابط خانوادگی یا روابط شغلی، افراد دارای روابط خانوادگی یا رابطه خادم و مخدوم با یکی از طرفین، در صورت حضور در محل وقوع جرم و یا داشتن اطلاع، اظهارات آنان حسب مورد به عنوان شاهد یا مطلع استماع می‌شود.

ماده - 73 در صورت ارتکاب خشونت جنسی علیه زنان یا در موارد ارتکاب خشونت علیه زنان در روابط خانوادگی، در صورت وجود نظریه پزشکی قانونی یا مددکاری اجتماعی یا در مواردی که زوجه مدعی نقض تعهد زوج شود، شکایت شاکه از قرائن مشبته وقوع خشونت محسوب می‌شود، مگر آنکه متهم به موجب ادله و یا قرائن معقول بی‌گناهی خود را اثبات نماید.

ماده - 74 اموال و اشیاء اختصاص یافته استفاده شده برای ارتکاب جرایم موضوع مواد 6، 14، 15 این قانون و نیز عواید حاصل از ارتکاب آنها، در صورت موجود بودن مصادره و در غیر این صورت مرتکب علاوه بر مجازات‌های مقرر، به پرداخت جزای نقدی معادل بهای کارشناسی اموال فوق در هنگام وقوع جرم محکوم می‌شود.

تبصره 1: هر گاه جرم توسط دو یا چند نفر ارتکاب یافته باشد، جزای نقدی موضوع این ماده از تمام آنها و به نحو تضامنی وصول می‌شود.

تبصره 2: هرگاه اموال و اشیاء موضوع این ماده متعلق به غیر بوده و مالک آنها برای ارتکاب جرم در اختیار مرتکب قرار داده باشد، معاون جرم محسوب و علاوه بر مجازات مقرر قانونی، اموال مزبور به عنوان تعزیر مصادره می‌شود. در صورت فروش یا انتقال آنها از سوی مرتکب، علاوه بر مجازات مقرر به پرداخت جزای نقدی معادل بهای کارشناسی آن مال در هنگام وقوع جرم محکوم خواهد شد.

ماده - 75 زنان قربانی جرایم موضوع این قانون در تمامی مراحل دادرسی از پرداخت هزینه دادرسی معاف هستند.

ماده - 76 دادگاه می‌تواند در مواردی که جرایم موضوع این قانون مستوجب حبس تعزیر درجه 6، 7 و 8 بوده و جرم ناشی از رابطه خانوادگی باشد، با رعایت مقررات قانون مجازات اسلامی، صدور حکم را با صدور قرار، برای مدت یک تا سه سال به تعویق اندازد.

فصل پنجم: سایر مقررات

ماده - 77 در تمامی اقدامات موضوع این قانون، اولویت با تدابیری است که منجر به تحکیم و تقویت نهاد خانواده، استواری روابط خانوادگی و یا حفظ حضور زن در محیط خانوادگی و منزل شود.

ماده - 78 در مواردی که زوج مرتکب تکرار خشونت‌های موضوع این قانون علیه زوجه شود، صدور حکم بر محکومیت وی از مصادیق عسر و حرج زوجه جهت درخواست صدور گواهی عدم امکان سازش خواهد بود.

ماده - 79 درآمدهای حاصل از وجوه دریافتی و جرایم نقدی موضوع این قانون در اختیار صندوق حمایت از بزه‌دیدگان قرار می‌گیرد.

ماده - 80 -دستگاه‌های ذیربط این قانون مکلف اند گزارش ادواری و سالانه از روند اجرای این قانون را به منظور ثبت در بانک جامع اطلاعاتی به دبیرخانه کمیته ملی ارائه نمایند.

نظارت بر حسن اجرای این قانون با کمیته ملی می‌باشد.

ماده - 81 از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر ملغی بوده و هرگاه بین مقررات این قانون با قوانین دیگر تفاوت وجود داشته باشد، حکم این قانون مرجح دانسته می‌شود.

ماده - 82 این قانون در - ماده و - تبصره در تاریخ - به تصویب هیات وزیران رسید.
